



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



آئین دوستان

از منظر امام علی ابن ابی طالب

مکتب اعلیٰ حضرت دہلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیین دوستی از منظر امام علی بن ابیطالب علیه السلام

نویسنده:

سید مهدی طباطبایی

ناشر چاپی:

نقش نگین

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	آیین دوستی از منظر امام علی بن ابیطالب علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۳	مقدمه
۱۸	۱- ضرورت داشتن دوست
۲۶	۲- دوستی برای خدا
۴۰	۳- حق دوستی
۴۹	۴- دوستان خوب
۶۶	۵- دوستان بد
۹۱	۶- امتحان دوست
۹۷	۷- مرز دوستی
۱۰۵	۸- آثار دوستی
۱۱۲	۹- روش دوست یابی
۱۲۵	۱۰- آفات دوستی
۱۳۱	۱۱- دوستی اهل بیت
۱۴۵	۱۲- انواع دوستان
۱۵۱	درباره مرکز

آیین دوستی از منظر امام علی بن ابیطالب علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: طباطبایی، سیدمهدی، 1330 -

عنوان و نام پدیدآور: آیین دوستی از منظر امام علی بن ابیطالب علیه السلام / سیدمهدی طباطبایی.

مشخصات نشر: اصفهان: نقش نگین: کهن دژ، 1398.

مشخصات ظاهری: [143] ص.؛ 21/5×14/5 س م.

شابک: 200000 ریال: 7-227-329-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فایا(چاپ سوم).

یادداشت: این کتاب در سال 1398 تجدید چاپ شده است.

یادداشت: چاپ چهارم: 1399.

یادداشت: چاپ پنجم: 1399.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق. -- دیدگاه درباره دوستی

موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 -- Views on friendship

موضوع: دوستی -- احادیث

Friendship -- Hadiths

دوستی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

Friendship -- Religious aspects -- Islam

رده بندی کنگره: BP37/955

رده بندی دیویی: 297/9515

شماره کتابشناسی ملی: 5800372

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فاپا

ص: 1

اشاره

آیین دوستی

از منظر امام علی بن ابیطالب

سید مهدی طباطبایی

ناشر: نقش نگین / ناشر همکار "کهندژ"

مدیر تولید: مهدی نقش

صفحه آرا: مهدی نحوی

طرح جلد: امیر حسین ابطحی

نوبت چاپ: پنجم، 1399

تیراژ: 3000 نسخه / چاپ: حافظ

صحافی: سپاهان

شابک: 7-227-329-600-978

قیمت 55000 تومان

کلیه ی حقوق محفوظ است

من

اصفهان / خیابان حکیم / ساختمان دقیق / پلاک 116

تلفن: 3223626061 :نمبر: 32204933

Email:Info@naghshnegin.com

www.naghshnegin.com

ص: 2

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3

آئین دوستی

از منظر امام علی بن ابیطالب علیه السلام

سید مهدی طباطبایی

ص: 4

1. ضرورت داشتن دوست ... 12

2. دوستی برای خدا ... 20

3. حق دوستی ... 34

4. دوستان خوب ... 43

5. دوستان بد ... 60

6. امتحان دوست ... 85

7. مرز دوستی ... 91

8. آثار دوستی ... 99

9. روش دوست یابی ... 106

10. آفات دوستی ... 118

11. دوستی اهل بیت ... 124

12. انواع دوستان ... 138

سخن پایانی ... 142

از گذشت، عمر خود، حالی پریشان یافتم *** خویش را از کِشتِ بی حاصل، پشیمان یافتم

هر کجا رفتم بیاموزم مرام زندگی *** دیگران را همچو خود، طفل دبستان یافتم

مدعی بسیار دیدم، لی-----ک هنگام ع-----مل *** پا فرو رفته به گل، سردر گریبان یافتم

تا به الطاف الهی، اوستادی مهربان *** آشنا با پندهای شاه ردان یافتم

در کفش "نهج البلاغه"، بر لبش ذکر علی (ع) *** از دو دریا، دامنش را پُر ز مرجان یافتم

وقت گفتن، شبنم ذوقش روان بر روی گل *** از لبش لطف نسیم صبح خندان یافتم

گفتمش ای آشنای دردمند بی پن-----اه *** هر کلامت را دوائی بهرِ درم-----ان یافت-----م

گفت: بهر دردها، دارالشفا دارد علی (ع) *** من در آن، داروی بیماران فراوان یافتم

گرتو هم محتاج درمانی از آن غافل مباش *** تا بیابی نسخه هائی را که در آن یافتم

تا مرا نهج البلاغه ش-----دع-----لاج دردها *** خویش را مستغنی از ناز طبیبان یافتم

سید مهدی طباطبایی

آموزش و یادگیری لازم موجود زنده است، و انسان که از موهبت عقل برخوردار است، به آموزش و تربیت بیشتر از دیگر موجودات زنده نیازمند است.

بخصوص برای انسانهای دین باور که اعتقاد به ماوراء الطبیعه دارند و پیرو انبیاء هستند برای نیکو زیستن در این دنیا و آماده شدن برای زندگی در سرای جاوید، این نیازمندی تا در حدّ و جوب افزون می گردد. بنابراین، مهم این است که از چه مبدأ باید آموخت و اختیار خویش را به چه کس و یا کسانی باید داد و مطمئن شد به مقصد عالی آفرینش که خداوند متعال برای انسان معین کرده است، خواهد رسید.

ما مسلمانها (بخصوص شیعه) معتقدیم که خداوند نخبه هایش را برای هدایت و راهنمایی بشر، در هر برهه از زمان که ضروری دانسته است، برگزیده و مردم را به پیروی از آنها ملزم کرده است.

این انسان های کامل:

1. خود راه یافته و رستگارانند.

2. انسان را به خوبی میشناسند و نیازهای او را از هر جهت در حدّ کمال میدانند.

3. خواهان سعادت دنیا و آخرت بشر هستند.

ص: 7

4. این هادیان راه حق، مأمورند هدایت کنند و دست پیروان خویش را گرفته به سلامت به سرمنزل رستگاری برسانند.

در میان این معلمین آگاه، مسلط و دلسوز که لحظه ای از امر هدایت باز نمی ایستند، بزرگ استادی داریم که فرمود؛

از من پرسید قبل از آنکه مرا از دست دهید.

من بر تمام اسرار آفرینش علم و آگاهی دارم!

هیچ علمی نیست مگر آنکه من آغاز گرانم!

آنچه را همه انبیاء برای اتمتهای خود آورده اند من تمام آنها را برای شما می گویم!

آنچه را امر کنم خود عمل میکنم و آنچه را نهی میکنم خود ترک کرده ام!

آنچه میگویم حق است و هر کلامی مقابل و مخالف آن باطل است!

من خود ره یافته و هدایت شده ام!

هزار هزار علم از اشرف مخلوقات پیامبر رحمت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به من منتقل شده است.

به من دروغ (سخن غیر حق) گفته نشده و من سخن جز حق نمی گویم

چنانچه از من پیروی کنید، من ضامن خواهم بود که شما را به سعادت ابدی برسانم!

و هزاران ویژگی دیگر که با عنایات خداوند در وجود وی یکجا جمع شده است!

ص: 8

بنابراین باید:

از چنین شخصیتی پیروی کرد.

در ابتدا در حد ظرفیت معرفتی خویش او را شناخت.

با کلام او آشنا شد.

در دل محبت او را جای داد.

آموزه های وی را بیان و یادآوری کرد.

به او امر او عمل کرد و از نواهی او کناره گرفت.

و به سعادت دنیا و آخرت دست یافت، چنانچه خود ضامن آن شده است.

این شخصیت بی نظیر آفرینش امیر مؤمنان - یعسوب الدین - علی بن ابیطالب علیه السلام است که فضائل و مناقبش فزون از شمارش و احصا و فوق تصور است! چنانچه مربی او حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«علی جان اگر درختان عالم قلم و آب دریاها مرکب شود و انسانها نویسنده شوند

و جنیان حسابگر باشند و تا صبح قیامت به آنها فرصت داده شود که بخواهند

فضائل تو را بنویسند هرگز نخواهند توانست!»⁽¹⁾

ما را اگر توان درک این مفاهیم نیست، گوش میدهیم به سخنان مربی و تربیت کننده وی که فرمود:

ص: 9

«علی جان کسی ترا نشناخت جز خدا و من(1)»

نوشتاری که در پیش رو دارید (آئین دوستی از منظر «امام علی بن ابیطالب») نام دارد که عمده ی محتوای مطالب آن از کلمات گهربار و راه گشای این امام همام می باشد، و نیز در برخی موارد احادیث مرتبط از قول پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ذکر شده است.

متن عربی کلام آورده نشده است چون مطالب برای فارسی زبانان تدوین و گردآوری شده است و بخصوص هدف گرد آورنده، جوانان می باشند ولی در هر مورد که ضرورت داشته است آدرس حدیث ذکر شده تا علاقمندان بتوانند به متن عربی نیز دست یابند.

خواننده محترم که در حین مطالعه ی کتاب از لذتی وافر بهره مند خواهد شد و شیرینی آن در ذائقه وی ماندگار خواهد ماند، نباید فراموش کند که هدف از تدوین این مطالب و عرضه آن بخصوص به جوانان، مطالعه - یادگیری و عمل به دستورات و فرامین امام و نهایتاً رسیدن به یک جامعه ی متعالی و رشد یافته است. بنابراین صرف خواندن و یادگیری اما عمل نکردن مشکلی را حل نخواهد کرد و مراقب باشیم، ما در شمار کسانی نباشیم که حضرتش فرمود:

«راویان علم فراوان و عمل کنندگان به آن کمند»(2)

خداوند این خدمت ناچیز را از بنده ی ناچیزتر به فضل و کرمش قبول

ص: 10

1- مناقب ج 3 ص 267

2- غرر الحکم ج 1 ص 221

فرماید و رضایت امام الابرار که رضایت خداوندی است را شامل حال ما بگرداند.

شایسته است از زحمات همه ی کسانی که در آماده سازی این اثر کمک و مساعدت نمودند بخصوص خانمها شقایق باخویش (محمدی) و حمیرا عباسی تقدیر و تشکر کنم .

سیدمحمدی طباطبائی

رمضان 1440 / خرداد 1398

مقارن یک هزار و چهارصدمین سال

شهادت امام علی علیه السلام (1400)

ص: 11

1- ضرورت داشتن دوست

هم بود محتاج باران، بوستان

هم روان، محتاج انسِ دوستان

انسان موجودی است اجتماعی که نمیتواند به تنهایی همه ی احتیاجات خویش را بدون کمک و مساعدت دیگران برآورده کند و از طرفی او نیز به سهم خود باید در رفع نیازمندی های دیگران بکوشد، خداوند متعال نعمتهای خویش را بین مخلوقات تقسیم نموده و با برقراری ارتباط منطقی بین آنان هر یک را محتاج و در عین حال کمک کار دیگران قرار داده است.

نیازهای انسان که با نعمتهای الهی تأمین می گردد تنها به احتیاجات مادی ختم نمی شود، بلکه مهمتر از نیازهای مادی نیازمندیهای روحی - روانی آدمی است که خداوند برای او مقرر داشته است.

«از جمله نعمتهای الهی دوست صمیمی و صادق است. (1)»

و

«کسی که دوست صمیمی، ندارد ذخیره و اندوخته ای (کارآمد)

ص: 12

ندارد. (1)»

بطوری که

«کسی که از دوستان خود جدا گردد، زندگی (دلخواه) ندارد» (2)

و نیز

«رفیق و همراه همانند دوست است، از این رو باید رفیق موافقی برای خود انتخاب کنیم» (3)

«دوست بهترین اندوخته است.» (4)

بنابراین

«کسی که دوستی ندارد اندوخته ای ندارد» (5)

«منزلتِ دوست چندان والاست، که حتی اهل جهنم نیز قبل از خویشاوند دلسوز و مهربان، از او کمک می طلبند و او را صدا می زنند.»

خداوند از زبان دوزخیان میگوید:

«ما را شفیعیانی نیست و نه دوستی مهربان» (6)

انسانها از نظر فکری یکسان نیستند و افکارشان با هم متفاوت است.

ص: 13

1- غرر الحکم ج 1 ص 648

2- غرر الحکم ج 1 ص 648

3- غرر الحکم ج 1 ص 648

4- میزان الحکمه ج 6 ص 3009 از قول امام صادق علیه السلام میزان الحکمه ج 6 ص 3009.

5- میزان الحکمه ج 6 ص 3009 از قول امام صادق علیه السلام میزان الحکمه ج 6 ص 3009.

6- همان

«جانها گونه گونند، پس آنهایی که همگون باشند باهم گرد می‌آیند و مردم به همگن های خود بیشتر گرایش دارند.»

از طرفی

«دوست و همنشین مانند وصله ی لباس است، بنابراین دوست همگون با خودت، انتخاب کن که وصله ی ناجور نباشد» « همراه نیز چون دوست است، پس همراه سازگار برگزین»⁽¹⁾

چنانچه

«هر انسانی به همانند خود گرایش دارد.»

«هر پرنده ای، به همجنس خود می گراید.»

کبوتر با کبوتر باز با باز *** کند همجنس با همجنس پرواز

وحتی

«هر چیزی و هر شیئی به همجنس خود گرایش دارد.»

جمع «من ها» میشود یکدست ما

جمع مرغان میشود سیمرغ ها

دوستی آنقدر اهمیت دارد که؛

«بهترین کارها پس از ایمان به خدا دوستی با مردم است»⁽²⁾

بنابراین تأکید می شود که؛

«دوست بسیار گیرید زیرا خداوند متعال با حیا و بخشنده است و شرم

ص: 14

1- همان ص 3011.

2- نهج الفصاحه ح 387

دارد که روز رستاخیز بنده خود را میان برادرانش عذاب کند»⁽¹⁾

به این سخن پیامبر عظیم الشان اسلام علیه السلام دقت کنید که فرمود؛

«تدبیر یک نیمه ی معیشت است و "مردم داری" یک نیمه ی عقل است»

«اساس عقل پس از ایمان به خدا، دوستی با مردم و نیکوکاری با نیک و بد (مردم) است.»

«هیچ کس از مشورت بی نیاز نیست، نیکوکاران این جهان نیکوکاران آن جهانند و بدکاران این جهان بدکاران آن جهانند»⁽²⁾

«دوستی کنید و به صلاح آئید.»⁽³⁾

زیرا

«از دست دادن و (نداشتن دوستان) غربت است.»

بنابراین

«ناتوان ترین مردم کسی است که در دوست یابی ناتوان باشد و از او ناتوان تر آن که دوستان خود را از دست بدهد.»⁽⁴⁾

توجه کنید که

«کسی که برادری (دوستی) ندارد خیری ندارد»⁽⁵⁾

ص: 15

1- همان ح 445.

2- همان ح 7-1636

3- همان ح 2065.

4- نهج البلاغه حکمت 12

5- غرر الحکم ج 1 ص 70 ح 71.

و به بیان دیگر

«کسی که برادرانی (دوستانی) ندارد کس و کاری ندارد.» (1)

به این معنی که

«فقدان برادران (دوستان) نیرو و توان آدم را سست میکند.» (2)

و این به آن دلیل است که؛

«برترین پشتوانه ها برادران (دوستان) مورد وثوق و اطمینان هستند.» (3)

و حتی اگر فرد پشتوانه های دیگری داشته باشد؛

«دوست راستین در مقایسه با پشتوانه های دیگر بهترین پشتوانه است.» (4)

آنقدر انس با دوستان مهم است که:

«فقدانی که آدمی را بیمار می کند، فقدان دوستان و از دست دادن آنهاست.» (5)

و

«غریب و تنها کسی است که دوستی ندارد.» (6)

ص: 16

1- همان ص 71 ح 79.

2- همان ص 70 ح 68.

3- همان ص 65 ح 27.

4- همان ص 62 ح 11.

5- همان ص 61 ح 4.

6- همان ص 62 ح 7.

هرکسی در دوران زندگی روزهای سختی خواهد داشت در این هنگام «برادران بهترین وسیله برای روزهای سخت زندگی هستند. (1)»

از این رو به مؤمنین توصیه شده است که:

«مؤمن باید شبانه روز خود را به سه قسم تقسیم کند.

1. زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار

2. زمانی برای تأمین هزینه‌ی زندگی

3. و زمانی برای واداشتن نفس به لذتهایی که حلال و مایه‌ی زینت است.»

زیرا نشست و برخاست و گفتگو با دوستان مورد وثوق از بهترین لذات حلال است و باز تأکید می‌شود:

«خردمند را نشاید جز آنکه در پی سه چیز حرکت کند:

1. کسب حلال برای تأمین زندگی

2. گام نهادن در راه آخرت (توشه‌برگرفتن برای قیامت)

3. به دست آوردن لذتهای حلال»

از جمله انس و الفت با دوستان صادق و صمیمی (2)

به همین دلیل است که باید گفت:

«این دلها همانند تن‌ها خسته میشوند، برای نشاط آن به سخنان تازه‌ی حکیمانانه روی بیاورید. (3)»

ص: 17

1- همان ص 61 ح 1.

2- نهج البلاغه حکمت 390

3- همان حکمت 197

و مجالست با دوستان خردمند و اندیشه ورز و شنیدن صحبت‌های آنان نشاط را در روح و جان ما به ارمغان خواهد آورد. و لذا گفته اند:

«دوستی کردن نیمی از خردمندی است. (1)»

به این نکته نیز باید توجه کرد که:

«دوستی میان پدران سبب خویشاوندی فرزندان است، و خویشاوندی به دوستی نیازمندتر است از دوستی به خویشاوندی. (2)»

و لذا نصیحت کرده اند:

بر تو باد (دست یابی) به برادران با صفا (و پاک دل) که براستی آنان در فراخی زندگی زیورند، و در بلا و گرفتاری کمک و یاور هستند. (3)»

تا آنجا که؛

«دوستی با مردم (نوعی رابطه) خویشاوندی است. (4)»

بنحوی که ؛

«دوستی میمون و مبارکی آرد. (5)»

ص: 18

1- همان حکمت 142

2- همان حکمت 308 توجه کنید آنجائی که فرزندان دوستان با هم ازدواج میکنند به دلیل شناخت قبلی از یکدیگر، زندگی با نشاط تر و آرام بخش تری دارند و برعکس ازدواج هائی که بدون شناخت و دوستی قبلی صورت می گیرد بیشتر دچار چالش و حتی جدایی خواهد شد. بخصوص امروزه که این نوع وصلت ها از طریق فضای مجازی صورت میگیرد!

3- غرر الحکم ج 1 ص 73/ ح 95

4- همان ص 215 ح 1

5- همان ص 215 ح 1

ما در انتخاب خویشان و اقوام اختیاری نداریم، ولی در مورد انتخاب دوستان اختیار با ماست.

ولذا؛

«دوستی کردن خویشاوندی است که به دست آمده و کسب شده است. (1)»

و چون صمیمیت صورت گیرد؛

«دوستی نزدیک ترین خویشی و قرابت است. (2)»

و بهترین بهره مندی از عقل و دانائی دوستی کردن با مردم است. (3)

که باید توجه داشت در برخی زمانها یافتن دوستان صادق و صمیمی بسیار مشکل است به دلیل ناهنجاری هائی که از هر سو جامعه را احاطه می کند.

ولذا فرمودند؛

«دورترین سفرها برای مردم، سفرکسی است که به دنبال یافتن برادری (دوستی) شایسته و صالح سفر کرده باشد.»

در ضرورت داشتن دوست سخن بسیار و جمله های ناب دیگر هست که هر کدام از آنها ذائقه ی انسان را همچون عسل شیرین می کند فرصت ماکم است به همین مقدار اکتفا می کنیم.

ص: 19

1- همان ص 216 ح 5

2- همان ص 216 ح 10

3- همان ص 217 ح 16

2- دوستی برای خدا

(وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا)

دین و آیین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کند، و نیکوکار باشد، و پیرو آیین خالص و پاکِ ابراهیم گردد؟ و خدا ابراهیم را به دوستی خود انتخاب کرد. (1)

خداوند اگر ابراهیم علیه السلام را به عنوان خلیل (دوست) انتخاب کرد، نه به خاطر نیاز به دوستی او بود، بلکه به خاطر این بود که؛ ابراهیم علیه السلام بنده ی مفید پروردگار و کوشا در راه رضای او بود.

و اما این که ابراهیم علیه السلام چه امتیازاتی داشت که خداوند این مقام را به او بخشید؟

از امام صادق علیه السلام نقل شده :

«خداوند از این جهت ابراهیم را به عنوان خلیل خود انتخاب کرد که : هرگز تقاضا کننده ای را محروم نساخت و هیچ گاه از کسی جز خدا

ص: 20

و از بعضی روایات دیگر استفاده میشود، این مقام {ابراهیم} بر اثر کثرت سجود، اطعام گرسنگان، نماز در دل شب و یا به خاطر کوشا بودن در راه اطاعت پروردگار بوده است(1).

براساس اصل کلی مطرح شده در آیه ی

(ما عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ ما عِنْدَ اللَّهِ باق)

آنچه نزد شماست فانی شدنی است و آنچه نزد خداست (و برای خدا) باقی و ماندگار است.

انسان با ایمان و خداباور تمام امور زندگی اش را در راه خدا و برای خدا و در جهت رضای خالق هستی قرار خواهد داد و معیار هر کاری از جمله دوستی و دشمنی اش برای رضای خداوند متعال است و میتوان گفت تفاوت اصلی انسانهای مؤمن با آدمهای بی دین که معتقد به خداوند نیستند، در همین است که مؤمنان هر کاری را با نیت الهی انجام میدهند و کافران فقط برای منافع مادی زودگذر دنیا عمل می کنند.

توجه کنید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره چه می فرماید؛

می فرماید :

«بهترین کارها پس از ایمان به خدا دوستی با مردم است.(2)»

و توصیه می کند؛

«دوست بسیار گیرید زیرا خدای شما باحیا و بخشنده است و شرم

ص: 21

1- تفسیر نمونه ج 4 ص 190-194

2- نهج الفصاحه ح 387

دارد که روز رستاخیز بنده خود را میان برادرانش عذاب کند(1).

و نیز می فرماید:

«اساس عقل پس از ایمان بخدا دوستی با مردم و نیکوکاری با نیک و بد است.(2)»

و تأکید می کند؛

«اساس عقل پس از ایمان بخدا دوستی با مردم است هیچ کس از مشورت بی نیاز نیست، نیکوکاران این جهان نیکوکاران آن جهانند و بدکاران این جهان بدکاران آن جهانند(3).»

بنابراین

«دوستی کنید و بصلاح آئید، مسلمان هر چه بیند کفاره اوست حتی مصیبتی که بدورسد و خاری که در پایش خلد(4)»

و بدانید؛

«دوستی پایدار دوستی براساس اعتقاد و ایمان به خداست.»

و امام المتقین امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرمود؛

«کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد، و کسی که امور آخرت را اصلاح کند

ص: 22

1- نهج الفصاحه ح 445

2- نهج الفصاحه ح 1636

3- نهج الفصاحه ح 1637

4- نهج الفصاحه ح 2065

خدا امور دنیای او را اصلاح خواهد کرد، و کسی که از درون جان واعظی دارد، خدا را بر او حافظی است (1).

«آن که پاداش الهی را باور دارد، در بخشش (به دوستان و مردم) سخاوتمند است. (2)»

و همه ی کارهای او در جهت رضای خداوند است زیرا؛

«هیچ اطاعتی از مخلوق، در نافرمانی پروردگار روا نیست (3).»

فرمان بری آفریده روا نیست آنجا که (این فرمان بری) نافرمانی آفریننده را در برداشته باشد و آنگاه تأکید می کند؛

«ناسپاسی مردم تو را از کار نیکو باز ندارد، زیرا هستند کسانی که، بی آن که از تو سودی برند تو را می ستایند، چه بسا ستایش اندک آنان برای تو، سودمندتر از ناسپاسی ناسپاسان باشد (4). (و خداوند نیکوکاران را دوست دارد)»

و به یار با وفای خویش میفرماید؛

«ای کمیل خانواده ات را فرمان ده که روزها در به دست آوردن بزرگواری، و شبها در رفع نیاز خفتگان بکوشند. سوگند به خدایی که تمام صداها را می شنود، هر کس دلی را شاد کند،

ص: 23

1- نهج البلاغه حکمت 89

2- نهج البلاغه حکمت 138

3- نهج البلاغه حکمت 165

4- نهج البلاغه حکمت 204

خداوند از آن شادی لطفی برای او قرار ده دکه به هنگام مصیبت چون آب زلالی بر او باریدن گرفته و تلخی مصیبت را بزدايد چنان که شتر غریبه را از چراگاه دور سازند. (1)

هرگز پاداش الهی و توکل به خداوند متعال را فراموش مکن که فرمود؛

چه نیکو است فروتنی توانگران برابر مستمندان، برای به دست آوردن پاداش الهی، و نیکوتر از آن خویشتنداری مستمندان برابر توانگران برای توکل به خداوند (2).

مطمئن باش

«کسی که نهان خود را اصلاح کند، خدا آشکار او را نیکو گرداند، و کسی که برای دین خود کار کند، خدا دنیای او را کفایت فرماید، و کسی که میان خود و خدا را نیکو گرداند، خدا میان او و مردم (دوستان) را اصلاح خواهد کرد. (3)

دوستی را براساس ایمان قرارده چون؛

«برادران دینی در دوستی پایدارترند. (4)

و

«برادرانی که برادریشان در راه خدا باشد دوستیشان پایدارتر است به

ص: 24

1- نهج البلاغه حکمت 257

2- نهج البلاغه حکمت 406

3- نهج البلاغه حکمت 423

4- غرر الحکم ج 1 ص 62 ح 8

خاطر پایدار بودن سبب دوستی (که خدای تعالی است) (1)

در مورد برادری (دوستی) برای خدا فرمود:

«آن برادری که در راه خدا به دست آمده (و پیوند الهی دارد)

نزدیک ترین نزدیکان و خویشاوندتر از پدران و مادران است. (2)

و دقت کن که؛

برادر تو در راه خدا آن کسی است که تو را به راه راست هدایت کند،

و از فساد و تباهی بازدارد، و در راه اصلاح معاد یاریت دهد. (3)»

از جمله آنکه؛

«بهترین برادران تو آن کسی است که تو را در راه حق زیاد به خشم آورد. (4)»

اگر به دنبال سود واقعی هستی بدان؛

«کسی که در راه خدا برادری (دوستی) گیرد سود برد. (5)

زیرا

برپایه برادری در راه خدا، دوستی، خالص و پاک گردد. (6)

ص: 25

1- غرر الحکم ج 1 ص 62 12

2- غرر الحکم ج 1 ص 62 ح 15

3- غرر الحکم ج 1 ص 66 35

4- غرر الحکم ج 1 ص 63 ح 16 یعنی مکرر به تو یادآوری کند که از احکام دین و دستورات الهی تخطی نکنی.

5- غرر الحکم ج 1 ص 70 ح 72

6- غرر الحکم ج 1 ص 69 ح 67

و برادری خدائی آنقدر مهم است که؛

«کسی که برادر خدایی خود را از دست دهد، گویا شریف ترین عضو خود را از دست داده است (1)»

در یک توصیه ی مهم میفرماید؛

«چیزی جلوی شما را نگیرد و مانع نشود از این که چون عیبی از برادرانتان مشاهده کنید به او تذکر ندهید جز ترس از این که او

نیز همین کار را نسبت به شما انجام دهد (و هنگام دیدن عیبتان به شما تذکر دهد) و بدین ترتیب شما دست به هم داده و در مورد دوستی دنیا و رها کردن آخرت، دوستانه با هم کنار آمده اید. (2)»

ولی نگران باشید که؛

«هیچ گروهی نیست که بر پایه چیزی جز خدای سبحان برادری کنند، جز آنکه برادری آنها در روز قیامت که در پیشگاه خدای سبحان قرار گیرند برای آنها نقصی باشد (3)»

و مطمئن باشید که تنها؛

«با برادری در راه خدا است که درخت برادری میوه میبخشد. (4)»

اما برادری؛

«پی ریزی شده است برادری (دوستی) در راه خدا بر خیر خواهی

ص: 26

1- غرر الحکم ج 1 ص 71 ح 82

2- غرر الحکم ج 1 ص 72 ح 91

3- غرر الحکم ج 1 ص 72 ح 90.

4- غرر الحکم ج 1 ص 75 ح 111

یکدیگر در راه خدا، و بخشش کردن به یکدیگر در راه خدا، و کمک کردن به یکدیگر بر اطاعت خدا، و بازداشتن یکدیگر از نافرمانی خدا، و یاری کردن یکدیگر در راه خدا، و اخلاص دوستی

با یکدیگر. (1)»

پس ای اهل ایمان؛

«دیدار کنید یکدیگر را در راه خدا، و هم نشینی کنید در راه خدا، و بدهید در راه خدا، و جلوگیری نکنید از بخشش در راه خدا. (2)»

که

«دوستی در راه خدا نزدیک ترین خویشی است. (3)»

«دوستی در راه خدا از پیوند خویشاوندی محکم تر است. (4)»

«دوستی در راه خدا کامل ترین نسب است. (5)»

بنابراین

«دوست بدار در راه خدا آن کس را که در راه اصلاح، دین با تو میستیزد، و برای تو یقین نیکو کسب کند. (6)»

ص: 27

1- غرر الحکم ج 1 ص 75 ح 112

2- غرر الحکم ج 1 ص 189 ح 13

3- غرر الحکم ج 1 ص 216 ح 7

4- غرر الحکم ج 1 ص 216 ح 8

5- غرر الحکم ج 1 ص 216 ح 11

6- غرر الحکم ج 1 ص 217 ح 14

در عین حال؛

«پرهیز از این که دشمنان خدا را دوست بداری یا دوستی خود را برای کسانی جز اولیای خدا خالص گردانی، که به راستی هر کس

مردمی را دوست بدارد با آنها محشور گردد. (1)»

پس پایه های دوستی را محکم کن برای خدا زیرا؛

«هر دوستی و محبتی که پایه اش بر چیزی غیر از ذات مبارک خدای متعال پی ریزی شده باشد گمراهی است و تکیه بر آن محال است. (2)»

و تأکید می فرماید؛

«کسی که مبنای دوستی اش در راه خدا نباشد از او پرهیز کن که دوستی او پستی است و مصاحبت با او شوم است. (3)»

پس مواظبت کنید و

«دوست بدارید هر که را دوست میدارید در راه خدا، و مبعوض دارید هر که را مبعوض دارید در راه خدای سبحان. (4)»

توجه کنید؛

«دوستی فرزندان آخرت، دوام دارد چون سبب آن دوام دارد. (5)»

احسان به دوستان مؤمن را فراموش نکنید چون؛

«اساس احسان، احسان کردن به مؤمنان است. (6)»

و

ص: 28

1- غرر الحکم ج 1 ص 217 ح 15

2- غرر الحکم ج 1 ص 219 ح 38.

3- غرر الحکم ج 1 ص 220 ح 45

4- غرر الحکم ج 1 ص 221 ح 51

5- غرر الحکم ج 1 ص 221 ح 54

6- غرر الحکم ج 1 ص 261 ح 45

«اساس ايمان احسان کردن به مردمان است.(1)»

با توجه کامل؛

«با برادران ايمانی با احسان مصاحبت کن و گناهان و خطا کارهايشان را با گذشت و آمرزش بپوشان.(2)»

از تهيه ی توشه آخرت غافل مباش؛

«خوشا به حال کسی که به بندگان خدا احسان کند، و برای معاد خود توشه برگيرد.(3)»

در مورد احسان تأکيد می فرماید؛

«بر شما باد به احسان و نیکو کاری به بندگان خدا، و دادگستری در میان شهرها، تا هنگام قیام و بر پا ایستادن شاهدان (در روز

قیامت) ایمن باشید.(4)»

پس با خلوص نیت؛

«احسان خود را (برای فردای قیامت) از پیش فرست تا غنیمت یابد.(5)»

چون؛

«کسی که به روز جزا یقین داشته باشد احسان و نیکو کاری کند (نه ظلم و بیدادگری)(6)»

و نتیجه آنست که؛

«کسی که احسانش بسیار شد برادران ايمانی اش او را دوست دارند.(7)»

ص: 29

1- غرر الحکم ج 1 ص 261 ح 46

2- غرر الحکم ج 1 ص 261 ح 50

3- غرر الحکم ج 1 ص 262 ح 53

4- غرر الحکم ج 1 ص 262 ح 56

5- غرر الحکم ج 1 ص 263 ح 64

6- غرر الحکم ج 1 ص 264 ح 69

7- غرر الحکم ج 1 ص 265 ح 78

پس رعایت حقوق دوستان و مردم را بکن که؛

خدای سبحان حقوق بندگانش را مقدمه حقوق خود قرار داده، پس آن کس که به پاخواست برای ادای حقوق بندگان خدا این کار می کشاند او را به سوی قیام به ادای حقوق خداوند. (1)» (دقت کنید)

و کوتاهی مکن که؛

«کوتاهی نمی کند انسان مؤمن از تحمّل (برادران) و بیتابی نکند در برابر مصیبت. (2)»

آنگاه امام که کاملترین شناخت را نسبت به انسان دارد و به تمامی اخلاق و منویات آدمی احاطه دارد با تعجب میفرماید:

«در شگفتم از مردی که برادر مسلمانش برای حاجتی نزد او آید، و او از برآوردن حاجتش خودداری کند، و خود را شایسته کار خیر نبیند، گیرم که نه ثوابی است که امید داشته باشد و نه عقابی که از آن پرهیز شود، آیا شما در مکارم اخلاق نیز بی رغبت هستید؟ (3)» (دقت کنید)

و بالاخره هشدار می دهد که؛

به راستی که نیاز مردم (از جمله دوستان) به سوی شما نعمتی است از خداوند بر شما آن را غنیمت بشمارید، و از آن خسته و ملول نشوید که تبدیل به نعمت و عذاب و انتقام الهی گردد. (4)»

ص: 30

1- غرر الحکم ج 1 ص 283 ح 1

2- غرر الحکم ج 1 ص 307 ح 29

3- غرر الحکم ج 1 ص 308 ح 4

4- غرر الحکم ج 1 ص 308 ح 2

سپاس و تشکر از دوستان مخواه، بلکه پاداش را از خداوند بخواه بنابراین؛

«بی رغبت نکند تو را در انجام کار نیک و احسان، کمی سپاسگزارانش زیرا سپاسگزارد تو را بر انجام آن، کسی که هیچ سودی از آن بدو نرسد (یعنی خدای سبحان)، و به راستی ثمره ای که از سپاس این سپاسگزار به دست آید بیشتر از ناسپاسی آن ناسپاس است. (1)»

بدان!

«کسی که با دست کوتاه جود و بخشش کند، با دست بلند خداوند، پاداش آن به او داده خواهد شد. (2)»

پیک خداوند را بپذیر؛

«به راستی که در مانده ای که سؤال کند پیک و فرستاده خدا است که هر کس به او عطا و بخشش کند به خداوند عطا کرده، و هر که خودداری از بخشش کند از عطای به خدای سبحان منع و خودداری کرده است. (3)»

«گذشت و چشم پوشی تو نسبت به مردم همان گونه باشد که دوست داری خدای سبحان بر تو ببخشد، و بر عفو و گذشتی که کرده‌ای پشیمان مشو. (4)»

اما چند حدیث ناب بشنوید از دوستی علی علیه السلام که قطعا دوستی

ص: 31

1- غرر الحکم ج 2 ص 116 ح 65

2- غرر الحکم ج 2 ص 125 ح 27

3- غرر الحکم ج 2 ص 124 ح 15

4- غرر الحکم ج 2 ص 132 ح 20

علی علیه السلام در راستای دوستی خدا است، تا آنجا که ابن عباس صحابی بزرگ پیامبر می گوید: در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ما ایمان و نفاق افراد را از دوستی علی میشناختیم. (اگر کسی با علی دوست بود به ایمانش مطمئن می شدیم و اگر با علی دشمنی می کرد نفاقش بر ما آشکار می شد.)

دوستی علی علیه السلام تا آنجا پیش می رود که خود فرمود:

«اگر با شمشیرم برینی مؤمن بزنم که باید دشمن من شود، با من دشمنی نخواهد کرد، و اگر تمام دنیا را به منافق ببخشم تا مرا دوست بدارد، دوست من نخواهد شد، و این بدان جهت است که قضای الهی جاری شد، و بر زبان پیامبر امی صلی الله علیه و آله و سلم گذشت که فرمود: «ای علی مؤمن تو را دشمن نگیرد، و منافق تو را دوست نخواهد داشت.»⁽¹⁾»

آنگاه (پس از بازگشت از جنگ صفین، یکی از یاران دوست داشتی امام سهل بن حنیف از دنیا رفت.) امام فرمود:

«اگر کوهی مرا دوست بدارد، در هم فرومی ریزد. (یعنی مصیبتها، به سرعت به سراغ او آید) که این سرنوشت در انتظار پرهیزکاران و برگزیدگان خداست.»⁽²⁾»

دوستی ابرار و بندگان خاص خدا بدون هزینه نیست و لذا فرمود:

«کسی که ما را دوست میدارد باید جامهٔ بلا و گرفتاری را آماده و مهیا سازد.»⁽³⁾»

ص: 32

1- نهج البلاغه حکمت 45

2- نهج البلاغه حکمت 111

3- غرر الحکم ج 1 ص 220 ح 46

و باز فرمود در دوستی ما مواظب باشید که؛

«دو تن به خاطر من به هلاکت رسیدند، دوست افراط کننده، و دشمن دشنام دهنده. (1)»

این بخش را با این حدیث نبوی مزین میکنیم و به پایان میبریم که فرمود؛

«اگر مردم بر دوستی و محبت علی اجتماع میکردند (یکدست میشدند) خداوند آتش جهنم را نمیآفرید.»

توصیه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و پندها و نصیحت های امیر بیان حضرت

علی علیه السلام از شمارش بیرون است به همین مقدار بسنده شد.

ص: 33

3- حق دوستی

یارخواهی حق یاری پاسدار

باش بر خوب و بد او بردبار

دوستی حقوقی دارد که بایستی رعایت گردد و از جانب بزرگان نیز در احادیث و پندها و نصیحتها تأکید فراوانی شده که هر فردی موظف است حقوق دوستی را رعایت کرده و بموقع ادا کند، همچون دیگر حقوق بویژه حق خداوند و نعمتهائی که به ما عطا فرموده است، حق پدر و مادر، حق استاد، حق همسایه، حق همسفر و ... که بهترین و مهم ترین آن «در رساله ی حقوق امام سجاد علیه السلام» مضبوط است.

و درباره حق دوستی فرموده اند:

1. «شریف ترین خلق و خوی، رعایت کردن (حق) دوستی است و بهترین همّت‌ها و تصمیم ها انجام وعده است. (1)

2 «زیبایی، برادری (دوستی) معاشرت نیک و مواسات و برابری با وجود تنگی و تنگدستی است. (2)»

ص: 34

1- غرر / 22/18/1

2- غرر / 102/74/1

3. «هنگامی که به دوستی برادرت اطمینان یافتی، باکی نداشته باش که چه زمانی او را دیدار کنی و چه زمانی او تو را دیدار کند. (و سخت گیر مباش)» (1)

و باید توجه داشت که دوستی ها باید در جهت رشد و کمال باشد، لذا فرمود:

«میوه ی برادری نگه داشتن عیب در غیاب است (یعنی در پنهانی نیز مانند حضور شئون برادری را حفظ کند).» (2)

همچنین؛

«آنگاه که دوستی ثابت و پابرجا شد تعاون و کمک دادن به یکدیگر لازم شود.» (3)

و در تأیید فرماید؛

«کسی که احسان پی در پی کند و خطاهای برادران (دوستان) و همسایگان را تحمل کند به راستی که نیکی را به کمال رسانده است.» (4)

و در چشم پوشی از خطای دوستان و پاداش نیک این صفت فرمود؛

«اگر در خشم، انتقامجویی و تسلای نفس است، ولی در حلم و بردباری، پاداش نیک نیکوکاران نهفته است.» (5)

ص: 35

1- غرر/1/109/74

2- غرر /1/113/75

3- غرر /1/28/218

4- غرر /1/85/265

5- غرر /1/28/293

«خشم و تندی را با بردباری پاسخ دهید تا سرانجامتان را در هر کاری پسندیده گردانید. (1)»

همچنین در مورد بردباری در برابر دوستان فرمود:

بردبار کسی نیست که به خاطر عجز و ناتوانی خاموش شده و سر به زیر گردد، و هرگاه قدرت و توان یافت انتقام بگیرد، بلکه حلیم واقعی کسی است که هرگاه توانا باشد در گذرد و بردباری بر همه ی کارهای او غالب و چیره باشد. (2)»

و تاکید میفرماید هر کسی باید از لغزش دوست خود بگذرد زیرا؛

«کسی که لغزش دوست را تحمل نکند تنها و بی کس خواهد مرد. (3)»

و تحمل نکردن لغزشهای دوست توفیق را سلب میکند لذا فرمود:

«به تباهی کشاندن رفاقت و دوستی دوست، از نداشتن توفیق است. (4)»

ولذا باید

«دوستی را با کسی قطع نکرد اگر چه او ناسپاس و کفران کند. (5)»

و چون

ص: 36

1- غرر / 47/295/1

2- غرر / 61/296/1

3- غرر / 025/307/1

4- غرر / 645/1

5- غرر / 648/1

«دوستان صمیمی جان واحدی هستند در بدن های پراکنده.» (1)

به نحو اخطار فرمود؛

زنهار، که دشمنِ دوستِ خود را دوست مگیری، که با دوست خود دشمنی کرده ای. (2)

زیرا

«کسی که رغبت در زندگی تو دارد به ریسمان تو چنگ زده» (3)

(به همین مقدار رعایت او بر تو لازم است.) و اگر رعایت دوستی نکنی، فرمود؛

1. زنهار از خود پسندی

2. و بد خوئی

3. و کم صبری؛

زیرا با وجود این سه خصلت، دوستی برای تو باقی نمیماند و مردم همواره از تو کناره می گیرند. (4)

و از پرهیز از بدگمانی، فرمود؛

«زنهار که بدگمانی هرگز بر وجود تو چیره نشود، زیرا جایی برای دوستی تو با کسی باقی نمی گذارد.» (5)

و در توضیح فرمود؛

ص: 37

1- غرر / 645/1

2- غرر / 648/1

3- غرر / 648/1

4- میزان الحکمه / 3019/6.

5- همان / 3023/6

«باریک بینی و موشکافی (نسب به دوستان مایه جدائی است و خرده گیری مایه ی دشمنی است. (1)»

همچنان می فرماید؛

«هر که از دوست خود پرس و جو زیاد کند (حساب کشی) رشته ی دوستی اش بگسلد. (2)»

زیرا با این روش حق دوستی را رعایت نکرده و لذا در تأکید فرمود؛

هرکه با برادران (دوستان) مناقشه کند دوستانش کم شود. (3)»

از امور دیگر حدّ نگهداشتن و راضی بودن به دوستی و برادری افراد است، یعنی نباید انتظار بیش از حد از دوستان داشته باشیم که در این رابطه فرمود؛

«هر که از دوست خود راضی نشود مگر زمانی که دوستش او را بر خودش ترجیح دهد، همواره ناراضی است. (4)»

اگر بخواهیم سیادت و آقائی پیدا کنیم باید تحمل داشته باشیم زیرا؛

«سیادت و آقائی نیابد کسی که تحمل برادران را ندارد. (5)»

و تأکید فرمود که؛

«رقابت کنید در خصلتهای پسندیده و بردباری های بزرگ و

ص: 38

1- همان.

2- همان.

3- همان.

4- همان.

5- غرر / 028/307/1

اندیشه های بلند تا پاداشتان بزرگ گردد. (1)

و برای پیروزی در این رقابت فرمود؛

«دوری کن از هر خصلتی بد، ویژه بدترین آن را، و برای این دوری کردن و اجتناب، با نفس خود پیکار کن زیرا شرّ و بدی، لجوج (سمج) و پیگیر است. (2)»

باز فرمود؛

«دوست، دوست نباشد مگر آنکه در سه جا مراقب برادرش باشد، در گرفتاریهایش در غیابش و بعد از مردنش (3)

توجه شود؛ این توصیه ها برای برادران ایمانی خداجوی و قیامت باور است، که حتی پس از مرگ (برادران ایمانی) هم بایستی حقوق دوستی را در حق آنها ادا کرد، وگرنه انسانهای مادی و بنده ی زر و زیور دنیا این مفاهیم عمیق را درک نخواهند کرد.

در فرازی دیگر فرمود؛

«دوست راستین، کسی است که تو را در برطرف کردن عیبهای تو راهنمایی کند، و در غیاب تو مواظب تو باشد و تو را بر خودش ترجیح دهد. (4)

در رعایت حق همنشین فرمود؛

ص: 39

1- غرر 4/332/1

2- غرر 5/3/2/1

3- میزان الحکمه 3025/6

4- همان

«حق همنشین این است که با او به احسان و انصاف رفتار کنی و به اندازه ای که احترامت میکند، احترامش کنی. اجازه ندهی در هیچ بخششی پیشدستی کند و اگر پیشدستی کرد جبران کنی، همان قدر که دوست دارد دوستش بداری، اگر تصمیم به گناهی گرفت او را از آن بازداری، برای او مایه رحمت و مهر باش و باعث عذاب او مباش. (1)»

و باز درباره ی حق معاشرت فرمود؛

«حق کسی که با تو رفت و آمد دارد، این است که او را نفریبی، با او یکرنگ باشی، او را گول نزنی و نسبت به او از خداوند تبارک و تعالی بترسی. (2)»

به این داستان کوتاه توجه کنید!

یکی از یاران امام صادق علیه السلام به نام مفضل می گوید: در برگشت [از سفر] خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم حضرت فرمود:
«چه کسی همسفرت بود؟ عرض کردم: مردی از برادرانم. حضرت پرسید:

پس او چه شد؟ عرض کردم: از وقتی وارد مدینه شده ام، نمی دانم کجاست. حضرت فرمود: مگر نمی دانی که هرکس با مؤمنی چهل گام همسفر شود، خداوند در روز قیامت راجع به او از وی می پرسد، از هیچ دوستی مَبْر، هر چند ناسپاس باشد. (3)»

و امام علی علیه السلام به فرزندشان و البته به همه ی ما فرمود؛

ص: 40

1- میزان الحکمه ج 6 ص 3029

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3029

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3029

«چون برادرت از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی را برقرار کن اگر روی برگرداند تو مهربانی کن، و چون بخل ورزد تو بخشنده باش، هنگامی که دوری می‌گزیند تو نزدیک شو، و چون سخت می‌گیرد تو آسان گیر، و به هنگام گناهش عذر او را بپذیر، چنان که گویا بنده‌ی او می‌باشی، و او صاحب نعمت تو می‌باشد، مبدا دستورات یاد شده را با غیر دوستان انجام دهی، یا با انسان‌هایی که سزاوار آن نیستند بجا آوری، دشمن دوست خود را دوست مگیر تا با دوست دشمنی نکنی، در پند دادن دوست خود بکوش، خوب باشد، یا بد، و خشم را فرو خور که من جرعه‌ای شیرین تر از آن نوشیدم، و پایانی گوارتر از آن ندیده‌ام. (دقت کنید)

با آن کس که با تو درستی کرده، نرم باش که امید است به زودی در برابر تو نرم شود، با دشمن خود با بخشش رفتار کن، زیرا سرانجام شیرین‌دو پیروزی است (انتقام گرفتن یا بخشیدن) اگر خواستی از برادرت جدا شوی، جایی برای دوستی باقی گذار، تا اگر روزی خواست به سوی تو بازگردد بتواند، کسی که به تو گمان نیک برد او را تصدیق کن، و هرگز حق برادرت را به اعتماد دوستی که با او داری ضایع نکن، زیرا آن کس که حقش را ضایع می‌کنی با تو برادر نخواهد بود، و افراد خانواده ات بدبخت‌ترین مردم نسبت به تو نباشند، و به کسی که به تو علاقه‌ای ندارد دل میند، مبدا

برادرت برای قطع پیوند دوستی، دلیلی محکم تر از برقراری پیوند با تو داشته باشد، و یا در بدی کردن، بهانه‌ای قوی تر از نیکی کردن تو بیاورد، ستمکاری کسی که بر تو ستم می‌کند در دیده ات بزرگ جلوه نکند، چه او به زیان خود، و سود تو کوشش دارد، و سزای آن

کس که تو را شاد میکند بدی کردن نیست. (1)

در موضوع حق دوستی، روایات فراوانی در کتب شیعه ثبت و ضبط شده است که الحق شایسته ی ذکر و توجه و تأمل میباشد ولی روش ما بر اختصار است و به همین مقدار بسنده شود.

ص: 42

1- نهج البلاغه نامه 31 بند 15

4- دوستان خوب

معیار دوستان باهم متفاوت است و چون ما را که چاره ای جز دوست گرفتن نیست می باید شناختی نسبت به دوستان خوب و دوستان بد داشته باشیم، اینک به شرایط دوستان خوب از بیان شیرین امیر بیان امام علی علیه السلام توجه کنید که فرمود:

«دوست راستین کسی است که راست باشد، پنهان و غیب او (همانند آشکار و ظاهرش). (1)»

و

«دوست صمیمی، انسانی است که او، تو هستی، جز آنکه در ظاهر غیر از تو باشد. (2)»

و همچنین

«دوست صمیمی کسی است که تو را در مورد عیبها نصیحت کند، و در غیاب تو را نگه دارد، و تو را بر خود مقدم دارد. (3)»

ص: 43

1- غرر الحکم جلد یک ص 645

2- غرر الحکم جلد یک ص 645

3- غرر الحکم جلد یک ص 645

«دوست واقعی کسی است که از ستم و دشمنی تو را باز دارد، و بر نیکی و احسان یاورت باشد. (1)»

و تأکید می فرماید که؛

«دوست صمیمی تو کسی است که تو را از کارهای زشت بازدارد، و دشمن تو کسی است که تو را به کار زشت و دارد. (2)»

و فرمود؛

«کسی که اهتمام ورزد درباره تو (و غمخواری تو کند) او دوست صمیمی تو است. (3)»

باید توجه داشت که دوستی و صمیمیت دو طرفه است، و بسا اتفاق افتد که برای یک طرف از دوستی به اشتباه سوء تفاهم ایجاد شود و سبب جدائی گردد، بر این فرض فرمود؛

«کسی که در جستجوی دوستی صمیمی و راست و درست و با وفا باشد (یعنی همیشگی و پایدار) چیزی را می جوید که نمی یابد. (4)»

و در پی همین فرض برای راهنمایی و تأکید در دوستی، فرمود:

«دوست صمیمی راستگو، از دوستی خود برنمیگردد اگر چه به او جفا شود. (5)»

ص: 44

1- غرر الحکم ج 1 ص 645

2- غرر الحکم ج 1 ص 646

3- غرر الحکم ج 1 ص 647

4- غرر الحکم ج 1 ص 647

5- غرر الحکم ج 1 ص 648

و در مورد دوستان دین مدار فرمود؛

«جز این نیست که رفیق را رفیق گویند بخاطر آنکه همراهی کند و یاری رساند تو را در اصلاح دین تو، و اگر کسی تو را بر اصلاح دین و آیینت همراهی کرد او رفیق مهربان است.»(1)

و با این معیار که؛

«هر یک از برادرانت که سه بار از تو خشمگین شد و درباره تو سخن بدی نگفت، او را به دوستی خود برگزین.»(2)

بنابراین

«با کسی یارشو، که به او آراسته شوی، با کسی یار مشو که به تو آراسته شود.»(3)

مراد این است که، با کسی همنشینی کن که همنشینی اش مایه آراستگی هر دوی شماست، و با کسی که تو مایه آراستگی او هستی و او مایه آراستگی تو نمی شود، همنشینی مکن.

امام حسن علیه السلام - نیز در سفارش به یکی از یاران خود به نام جُناده در بستر بیماری که به رحلت آن حضرت انجامید - فرمود:

«1. با کسی مصاحبت کن که هرگاه با او مصاحبت کنی مایه آراستگی تو شود

2. و هرگاه خدمتش کنی تو را حفظ کند

ص: 45

1- غرر الحکم ج 1 ص 649

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3013

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3013.

3. و هرگاه از او کمکی بخواهی، کمکت کند

4. و هرگاه سخنی بگویی، سخنت را باور کند

5. و هرگاه حمله کنی، تقویت کند

6. و هرگاه دستت را به احسانی بگشایی، او در این راه تو را کمک رساند

7. و هرگاه عیبی از تو دید، آن را بپوشاند

8. و هرگاه کار خوبی از تو دید، آن را در نظر داشته باشد.

9. هرگاه چیزی از او خواستی به تو بدهد

10. و هرگاه زبان به خواهش نگشودی، او [در بخشش] پیشدستی کند

11. و هرگاه مصیبتی به او رسید تو ناراحت شوی. (1)

ما توصیه شده ایم که با خردمندان و حکیمان دوستی کنیم چنانچه فرمود:

«بیشترین صلاح و درستی، در همنشینی با خردمندان و صاحب‌دلان است. (2)»

و باز فرمود:

«با حکیمان مصاحبت کن و با برداران همنشین شو و از دنیا، روی گردان، تا در جنة المأوی ساکن شوی. (3)».

و تأکید کرد:

ص: 46

1- میزان الحکمه ج 6 ص 3013.

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3013.

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3013

«با خردمندان مصاحبت کن و با دانشمندان بنشین و بر هوس چیره آی، تا با فرشتگان مقرب قرین گردی.» (1)

و

«مصاحبت با دوست خردمند، زندگانی روح است.» (2)

و با تعجب فرمود؛

«در شگفتم از کسی که رغبت به داشتن یاران بسیار دارد، چگونه با دانشمندان خردمند پرهیزکار مصاحبت نمی کند، تا از فضایل آنها بهره گیرد و در پرتو دانش آنها هدایت شود و مصاحبت آنان، او را آراسته گرداند؟!» (3)

و در مورد دلسوزی دوست فرمود؛

«هر که تو را به سرای جاویدان فرا خواند و در راه کار کردن برای رسیدن به آن سرا یاریت رساند، همو دوستی دلسوز است.» (4)

بنابراین

«با نیکوکاران قرین شو تا از آنان باشی، و از بدکاران دوری کن تا از زمره آنان جدا شوی.» (5)

چون

ص: 47

1- میزان الحکمه ج 6 ص 3013.

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3013.

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3013.

4- میزان الحکمه ج 6 ص 3015.

5- میزان الحکمه ج 6 ص 3015.

«خوش بخت ترین مردم کسی است که با مردمان بزرگوار بیامیزد. (1)»

و چرا که

«دوستان را [از دوستی با یکدیگر] پشیمانی حاصل آید، مگر پرهیزکاران. (2)»

بنابراین سزاوار است که دست از مصاحبت با خردمند و کریم برداریم چون فرمود:

«از مصاحبت با خردمند نگران مباش هر چند او را کریم و بخشنده نیابی، اما از خرد او بهره مند شو و از اخلاق بدش دوری کن، مصاحبت با آدم کریم و بخشنده را هرگز فرو مگذار، هر چند از خرد او سودی نگیری، اما با عقل خود از گرم او بهره مند شو و تا توانی از فرومایه نابخرد بگریز. (3)»

و برای راهنمایی تأکید فرمود:

«دوست، کسی است که بازدارنده از ستم و تجاوز باشد و یاری کننده برنیکویی و احسان. (4)»

و باز فرمود:

«صدیق (دوست راستین) را صدیق نامیده اند، چون با تو و عیبهایت،

ص: 48

1- میزان الحکمه ج 6 ص 3015.

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3017

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

4- میزان الحکمه ج 6 ص 3025.

صادقانه برخورد می کند. هر که چنین باشد، به او اعتماد کن که او دوست راستین است. (1)

بنابراین

«دوست تو کسی است که [از بدیها] بازت دارد، و دشمنت کسی است که تو را [به کارهای بد] تحریک کند. (2)».

و

«برادر راستین تو کسی است که خود را سپر تو گرداند و تو را بر مال و فرزند و زن خویش ترجیح دهد. (3)»

مراقب باش دوست خوب، امین و خدا ترس است چنانچه فرمود؛

«از دشمنت دوری کن و از دوستت بر حذر باش، مگر آن دوستی که امین و خدا ترس باشد. (4)»

و

«دوست خوب کسی است که هرگاه [خدا را یاد کردی، تو را کمک کند و هرگاه [خدا را] فراموش کردی، یاد آوریت نماید. (5)»

«کسی که تو را در راه طاعت خدا یاری کند، بهترین یاران است. (6)»

ص: 49

1- میزان الحکمه ج 6 ص 3025

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3025

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3025

4- میزان الحکمه ج 6 ص 3027

5- میزان الحکمه ج 6 ص 3029.

6- میزان الحکمه ج 6 ص 3029

«بهترین یاران کسی است که ناسازگارش اندک باشد و سازگارش بسیار» (1)

و آنگاه تأکید فرمود؛

«هرگاه خداوند خوبی بنده ای را بخواهد، دستگیری شایسته و نیک برایش قرار می دهد، که اگر فراموش کرد به او یادآوری کند و اگر یاد کرد وی را یاری رساند.» (2)

و امر کرد که؛

«با نیکان نزدیک شو و از آنان باش.» (3)

تا جایی که مرگ دوست را از مصائب بزرگ دنیا دانست و فرمود:

«پنج چیز از مصائب دنیاست، مرگ دوست و تلف شدن مال و سرزنش دشمنان و ترک دانش و زن بد.» (4)

از پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بشنوید که فرمود؛

«بهترین یاران کسی است که وقتی خدا را یاد کردی ترا کمک کند و آنگاه که یاد خدا را فراموش کردی او را بیاد تو آورد.» (5)

ص: 50

1- میزان الحکمه ج 6 ص 3029

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3029

3- نهج البلاغه نامه 31

4- نهج الفصاحه ح 1458

5- نهج الفصاحه ح 1479

«بهترین رفیقان پیش خدا کسیست که برای رفیق خود بهتر باشد و بهترین همسایگان کسی است که برای همسایه خود بهتر باشد. (1)»

امام علیه السلام در حکمت 289 در وصف یکی از برادران و دوستان خوب خود مطالب بسیار ارزنده ای می فرماید:

«در گذشته برادری دینی داشتم که در چشم من بزرگ مقدار بود چون دنیای حرام در چشم او بی ارزش می نمود، و از شکم بارگی دور بود، پس آنچه را نمی یافت آرزو نمی کرد، و آنچه را می یافت زیاده روی نداشت، در بیشتر عمرش ساکت بود، اما گاهی که لب به سخن می گشود بر دیگر سخنوران برتری داشت، و تشنگی پرسش کنندگان را فرو می نشاند. به ظاهر ناتوان و مستضعف می نمود، اما در برخورد جدی چونان شیر بیشه می خروشید، یا چون مار بیابانی به حرکت در می آمد. تا پیش قاضی نمی رفت دلیلی مطرح نمی کرد. و کسی را که عذری داشت سرزنش نمی کرد، تا آن که عذر او را می شنید، از درد شکوه نمی کرد. مگر پس از تندرستی و بهبودی، آنچه عمل می کرد می گفت، و بدانچه عمل نمیکرد چیزی نمی گفت، اگر در سخن گفتن بر او پیشی میگرفتند درسکوت مغلوب نمی گردید. و بر شنیدن بیشتر از سخن گفتن حریص بود. اگر بر سر دوراهی دو کار قرار می گرفت، می اندیشید که کدام یک با خواسته نفس نزدیک تر است با آن مخالفت میکرد، پس بر شما باد روی آوردن به اینگونه از ارزشهای اخلاقی، و با یکدیگر در کسب آنها رقابت کنید، و اگر

ص: 51

نتوانستید، بدانید که به دست آوردن برخی از آن ارزشهای اخلاقی بهتر از رها کردن همه است. (1)

در کلام دیگری فرمود؛

«بهترین یاران و همراهان کسی است که انسان را بر اطاعت حق یاری دهد. (2)

و

«برادری، که از (کمال یا علم) او بهره‌گیری، بهتر است از برادری، که تو بر (کمال یا علم) او بیفزایی. (3)»

و چه زیبا فرمود؛

«همراه تو همچون تگه پارچه ای است که لباس را بدان وصله کنند پس با کسی مصاحبت کن که شباهت با تو داشته باشد. (و وصله ناجور نباشد). (4)

به سراغ دوستان راستین باش که؛

«برادر راستین تو کسی است که تو را با جان خویش نگرهبانی کند، و بر مال و فرزند و زن خویش مقدم دارد. (5)

ص: 52

1- نهج البلاغه حکمت 289

2- غرر الحکم ج 1 ص 61 ح 3

3- غرر الحکم ج 1 ص 962

4- غرر الحکم ج 1 ص 62 ح 6

5- غرر الحکم ج 1 ص 1763

«برگزین از هر چیز تازه اش را ولی از برادران قدیمی ترینشان را انتخاب کن. (1)»

هر کهنه که نو شود غنیمت بشمار *** جز دوست که کهنه اش غنیمت باشد

دوست حقیقی را فرمود؛

«به راستی که برادر حقیقی تو آن کسی است که؛

1. لغزشت را بپوشاند

2. شکستگی زندگی ات را ببندد

3. عذرت را بپذیرد

4. زشتی و عیب تو را بپوشاند

5. ترس تو را برطرف کند

6. و امید تو را به انجام رساند. (2)

بنابراین

«برترین پشتوانه ها (برای روزهای سخت زندگی) برادری است با وفا و همانندی است که پاکیزه باشد. (3)»

و

«بهترین برادران کسی است که کمکش بر کار خیر از دیگران بیشتر، و در انجام کار نیک از دیگران جلوتر، و نسبت به یاران و همراهان نرم

خوتر باشد. (4)

ص: 53

1- غرر الحکم ج 1 ص 64 ح 21

2- غرر الحکم ج 1 ص 65 ح 28

3- غرر الحکم ج 1 ص 65 ح 29

4- غرر الحکم ج 1 ص 3265

بهترین ها را فرمود؛

بهترین برادران، خیرخواه ترین آنها و بدترین برادران، خیانتکارترین آنها است. (1)

و

«بهترین برادران کسی است که چون او را از دست بدهی و نیابی، زنده ماندن پس از او را دوست نداشته باشی. (2)

و

«بهترین برادران کسی است که تو را بر هدایت رهنمون باشد. و به تقوا وا دارد، و از پیروی کردن هوا و هوس بازت دارد. (3)

و

«بهترین برادران کسی است که با تو مواسات داشته باشد. (4)

و

«بهترین برادران کسی است که به گفتار راست خود به راست گویی دعوت کند، و با کارهای نیکش تو را به بهترین کارها فرا خواند. (5)

و

ص: 54

1- غرر الحکم ج 1 ص 3666

2- غرر الحکم ج 1 ص 3766

3- غرر الحکم ج 1 ص 66 ح 38

4- غرر الحکم ج 1 ص 66 ح 39

5- غرر الحکم ج 1 ص 4066

«بهترین برادرانت کسی است که به خیر و خوبی از دیگران پیشی گیرد و تو را به سوی آن بکشاند، و به کار نیک وادارد و بر انجام آن یاریت دهد.» (1)

و

«بهترین برادران کسی است که برادری اش بر دنیا پی ریزی نشده باشد.» (2)

و چه زیبا فرمود؛

«چه بسا برادری (دوستی) که مادر تو او را نزیایده (بلکه بر اثر صمیمیت در دوستی برادر تو شده)» (3)

و مکرراً فرمود؛

«بهترین برادرانت کسی است که با خیر و خوبی خود با تو مواسات داشته باشد، و بهتر از او کسی است که تو را از دیگران بی نیاز سازد.» (4)

«بهترین برادران کسی است که نسبت به برادران خود سخت گیر و خرده گیر نباشد.» (5)

«بهترین برادرانت کسی است که با تو مواسات و برابری داشته باشد، و بهتر از او کسی است که تو را کفایت کند، و اگر به تو نیازمند هم شود تو را معاف داشته و ببخشاید.» (6)

ص: 55

1- غرر الحکم ج 1 ص 4166

2- غرر الحکم ج 1 ص 4266

3- غرر الحکم ج 1 ص 52 68

4- غرر الحکم ج 1 ص 4367

5- غرر الحکم ج 1 ص 4467

6- غرر الحکم ج 1 ص 45 ح 67

و درباره دوست خدا باور فرمود:

«بهترین برادران، کسی است که دوستی اش در راه خدا باشد.» (1)

«بهترین برادران، کسی است که درباره خیر خواهی و نصیحت کمتر مدارا و چرب زبانی کند (و به طور صریح و آشکارا تو را نصیحت کند).» (2)

«بهترین برادران، کسی است که برادرانش را به دیگری نیازمند نکند (و خود نیازشان را برطرف سازد).» (3)

و دوستی خدائی را فرمود:

«بهترین برادرانت کسی است که در راه اطاعت خدای سبحان بر تو سخت گیرد و خشونت به خرج دهد.» (4)

دوست خوب اهل انصاف است و لیکن فرمود؛

«برادرانی که انصاف را رعایت کنند اندکند.» (5)

دوست خوب موجب بلندی انسان است و لذا فرمود؛

«بر تو باد به برادری کسی که تو را (از کاربرد و عذاب الهی) بیم دهد و باز دارد، که چنین برادری تو را به بلندی رسانده و به راه راست

ص: 56

1- غرر الحکم ج 1 ص 4667

2- غرر الحکم ج 1 ص 4767

3- غرر الحکم ج 1 ص 67 ح 48

4- غرر الحکم ج 1 ص 67 ح 49

5- غرر الحکم ج 1 ص 70 ح 70

هدایت کند. (1)

و

«نظام مردانگی، برادری خوب است و نظام دین، یقین نیکو است. (2)»

لذا باید غنیمت بدانیم که فرمود؛

«برادری با نیکان را باید مغتنم دانست، و از مصاحبت و همدمی با بدان و بدکاران باید پرهیز کرد. (3)»

پس بر تو باد که؛

«با حلیمان هم نشین شوی تا برحلم تو افزوده گردد. (4)»

و

«با دانشمندان هم نشین شو تا نیکبخت شوی. (5)»

و

«با دانشمندان هم نشین شو، تا برداشت افزوده گردد. (6)»

در عین حال برای تربیت دینی خود که بسیار اهمیت دارد فرمود؛

«با فقیران و نیازمندان، هم نشین شو تا بر شکر و سپاست (به درگاه خداوند) بیفزاید. (7)»

ص: 57

1- غرر الحکم ج 1 ص 69 ح 66

2- غرر الحکم ج 1 ص 72 ح 92

3- غرر الحکم ج 1 ص 74 ح 105

4- غرر الحکم ج 1 ص 186 ح 1

5- غرر الحکم ج 1 ص 186 ح 2

6- غرر الحکم ج 1 ص 186 ح 5

7- غرر الحکم ج 1 ص 186 ح 6

امام علیه السلام برای کسب علم و دانش فرمود:

«با پارسایان و فرزانتگان هم نشینی کن و گفتگوهای علمی و دینی را با ایشان زیاد کن، که اگر نادان باشی تو را بیاموزند و اگر دانا باشی بر دانایی خود بیفزایی.»(1)

و

«با دانشمندان مجالست داشته باش تا دانشت افزون، و ادب تو نیکو، و جانت پاکیزه گردد.»(2)

و برای بلندی مرتبت

«با فرزانتگان هم نشین شو تا عقل و خردت کامل، و نفس تو بلند مرتبه گردد و جهل و نادانی از تو زائل شود.»(3)

و برای مبارزه با نفس

«با خردمندان مصاحبت کن و با دانشمندان هم نشین شو و بر هوای نفس پیروز شو تا با ساکنان ملاء اعلی (جایگاه والا) رفیق و همراه گردی.»(4)

با نیکان بنشین که؛

«نیکان و نیکوکاران مصاحبت نکنند جز با همانندان خود.»(5)

ص: 58

1- غرر الحکم ج 1 ص 189 ح 9

2- غرر الحکم ج 1 ص 189 ح 10

3- غرر الحکم ج 1 ص 189 ح 11

4- غرر الحکم ج 1 ص 189 ح 14

5- غرر الحکم ج 1 ص 191 ح 7

و بالاخره؛

کسی که، تو را دوست دارد (از کارهای ناپسند) بازت دارد. (1)

و در مورد اکسیر وفاداری فرمود؛

«دوست صمیمی، با وفا از دوستی خود باز نگردد اگر چه (زمانهای بسیاری) دور شود. (2)

درباره ی دوست خوب کلمات و نصایح بسیار ارزنده ی دیگری از امام علیه السلام هست که هر کدام دلپسند و جذّاب و راه گشاست و ما به همین مقدار بسنده می کنیم، ولی برای لطف بیشتر، این بخش را به کلام گهربار دیگری زینت میبخشیم.

آنجا که فرمود؛

«برادرن (دوستان) راستین زیورند در خوشی و پشتوانه اند در سختی. (3).»

«و کسی که درخت شخصیت او نرم و بی عیب باشد، شاخ و برگش فراوان است. (4)»

ص: 59

1- غرر الحکم ج 1 ص 220 ح 42

2- غرر الحکم ج 1 ص 222 ح 58

3- غرر الحکم ج 1 ص 62 ح 14

4- نهج البلاغه حکمت 214

با همه ی تأکیدات بزرگان بر ضرورت داشتن دوست و دوستی با اقشار مختلف جامعه و آثار مثبتی که این دوستی بر روابط فرد با آحاد جامعه به دست خواهد آورد، مع الوصف افرادی هستند که نباید دل به دوستی آنها داد، زیرا نه تنها نمیتوانیم اخلاق رذیله ی آنها را بهبود بخشیم و تغییری اساسی در رفتار ایشان ایجاد کنیم، بلکه ممکن است با ممارست و انس با این افراد، ما نیز تحت تأثیر قرار گرفته و کم کم منش بد آنها در ما هم اثر سوء بگذارد. در این بخش با استفاده از کلمات حضرت نگاهی داریم به دوستان بد که قطعاً بسیار هشدار دهنده و مفید خواهد بود، و باید با تعمق و

تدبّر در این مواعظ حیات بخش، مواظب شکل گیری شخصیت خویش باشیم. توجه کنید امام می فرماید:

«کسی که دوستی اش به تو سود نبخشد، دشمنی اش به تو زیان رساند.»⁽¹⁾

و هشدار می دهند؛

ص: 60

«از همنشینی با یارید بگریز، زیرا که او همدم خود را هلاک می کند و همنشین خود را به نابودی می کشاند.» (1)

و تأکید فرمود؛

«با تنهایی بیشتر همدم باش تا با یاران بد.» (2)

زیرا؛

«همنشین بدان، همچون مسافر دریاست که اگر از غرق شدن جان به سلامت برد، از ترس در امان نباشد.» (3)

و هشدار می دهد که؛

«بنگر، که هرکس برای تو سود دینی ندارد، به او بهایی مده و به همنشینی با وی رغبت مکن؛ زیرا هر چیزی جز خداوند تبارک و تعالی نابود شدنی و فرجامش ناگوار و زیانبار است.» (4)

و برای ما که مبارزه ی با نفس سرکش یک وظیفه ی حتمی است می فرماید؛

«هر که همنشینی اش با توبه مبارزه با نفس کمکی نکند، آن همنشینی وبال توست، اگر توجه و دقت کنی.» (5)

و برای جلب توجه و گریز از همنشین با بدان و واقعیت همنشین بد هشدار میدهد و می فرماید؛

ص: 61

1- میزان الحکمه ج 6 ص 3011

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3011

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3015

4- میزان الحکمه ج 6 ص 3015

5- میزان الحکمه ج 6 ص 3015

«تنهاترین تنهایی، داشتن همنشین بد است. (1)»

و

«تنهایی، بهتر از همنشین بد است. (2)»

و با هشدار به پرهیز از فرومایگان گویند؛

«با بدان، کسی جز همتایان ایشان دوستی نکند. (3)»

«فرومایگان را، کسی جز امثال آنها برنگزیند. (4)»

و فراتر می فرماید:

«آدم فرومایه، جز به دنبال هم سنخ خود نرود و جز به همانند خود میل نکند. (5)»

و حتی رفتار بد را با نیت خوب بر نمی تابند و اشاره دارند که؛

«چه بسا دوستی که برخورد شود با او، به خاطر نادانی اش نه به خاطر نیت و قصد درونی اش. (6)»

دوست باید موجب سرور و شادابی گردد نه باعث رنج و ملامت، برای همین میفرماید:

ص: 62

1- میزان الحکمه ج 6 ص 3011

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3011

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3011

4- میزان الحکمه ج 6 ص 3011

5- میزان الحکمه ج 6 ص 3011.

6- غرر الحکم جلد یک ص 646

«آدم دلگیر و ملول، دوست بدی است.» (1)

«هرکه از دین و دنیای او بهره ای نبی، در همنشینی با او خیری برای تو نیست و هرکه برای تو حقی قائل نباشد، تو نیز برایش حقی قائل نباش و وقتی هم بدو منه.» (2)

و با گسترش اخلاق نکوهیده و فراوانی افراد نابهنجار می فرماید؛

«زینهار از کسی که هرگاه با او سخن بگویی، تو را ملول گرداند و هرگاه او با تو سخن بگوید، غمگینت کند، و هرگاه به او شادی یا زیانی برسانی، متقابلاً با تو همان رفتار را کند، و هرگاه از تو جدا شود، جدایی او تو را بد آید چون پشت سرت بد گوید، هرگاه

او را ممانعت کنی به تو تهمت و افترا زند و هرگاه سازگاری با او نشان دهی به تو حسادت ورزد و تعدی کند و هرگاه ناسازگاری کنی با تو از در دشمنی و جدال برآید، از جبران خوبی دیگران به خود ناتوان است و نسبت به کسی که به او زور گفته است، افراط می کند. همنشین او مأجور است و خودش گنهکار، زبانش به زیان اوست نه به سودش، دلش سخنش را نگه نمی دارد، علم را برای مجادله کردن می آموزد، و علم دین را برای خود نمایی فرا می گیرد به سوی دنیا می شتابد و تقوا را فرو می گذارد.» (3)

ص: 63

1- غرر الحکم جلد یک ص 646

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3015

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3017

«هرگاه دیدی کسی با آبروی مردم بازی می کند، سعی کن تو را نشناسد؛ زیرا آبروی آشنایانش کمترین ارزش را نزد او دارد.» (1)

و بخصوص

«از همنشینی با افراد فاسق و فاجر و متظاهر به معاصی خدا دوری کن.» (2)

و همچنین

«از همنشینی با کسی که اندیشه اش، سست و فاسد است و کردارش، زشت و ناپسند، دوری کن؛ زیرا یار با یار سنجیده میشود.» (3)

از این گروه ها هم غافل مباش؛

«از سه کس برحذر باش: خیانتکار، ستمکار و سخن چین؛ زیرا کسی که به خاطر تو [به دیگری] خیانت کند، به تو نیز خیانت می کند و کسی که به خاطر تو [به دیگری] ستم کند، به تو نیز ستم می کند و کسی که برای تو سخن چینی کند، بر ضد تو نیز

سخن چینی خواهد کرد.» (4)

زیرا

«همنشینی با کسی که آنچه برای خودش میبیند و میپسندد برای تو نمیبیند، خیری برای تو در بر ندارد.» (5)

ص: 64

1- میزان الحکمه ج 6 ص 3017

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3017

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3017

4- میزان الحکمه ج 6 ص 3017

5- میزان الحکمه ج 6 ص 3017.

«از کسی که دلهایتان او را ناخوش دارد، پرهیزید.» (1)

و دقت کن و

«از معاشرت با عیبجویان مردم پرهیز؛ زیرا همنشین این گونه افراد نیز از عیبجویی آنان در امان نیست.» (2)

و توجه کن؛

«با کسی که همواره غیبت می کند، همنشینی مکن؛ زیرا تو نیز مورد بدگمانی واقع می شوی.» (3)

زیرا آثار دوستی با بدان این است که؛

«دوست آدم نادان، در رنج و سختی است.» (4)

تا حدی که

«دشمن دانا، بهتر از دوست نادان است.» (5)

چرا که؛

«دوست آدم نادان، در رنج است.» (6)

و قابل تأمل و توجه است که امام فرمود؛

ص: 65

1- میزان الحکمه ج 6 ص 3017

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3017

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3017

4- میزان الحکمه ج 6 ص 3017

5- میزان الحکمه ج 6 ص 3017

6- میزان الحکمه ج 6 ص 3017

«بدانید هر دوستی که در دنیا برای غیر خداوند عزوجل باشد، در روز قیامت به دشمنی مبدل میشود. (1)»

و نیز فرمود؛

«زنهار از همنشینی با کسی که خیرش، سست و شرش، نیرومند و نفسش، پلید است هرگاه بترسد، خود را کنار می کشد و چون احساس ایمنی کند، حمله می آورد. (2)»

و تأکید می فرماید؛

«از مصاحبت با اهل گناهان پرهیز؛ زیرا کسی که از کردار گروهی راضی باشد، همانند کسی است که در جمع آنها باشد. (3)»

و برای همین امر فرمود؛

«از مصاحبت با فاسقان دوری کن؛ زیرا بدی به بدی می پیوندد. (4)»

و نیز

«از رفت و آمد با فرومایه پرهیز؛ زیرا رفت و آمد با فرومایه خیری در پی ندارد. (5)»

دوستی و الفت که ما را از یاد خدا غافل کند موجب هلاکت است پس؛

«زنهار از مصاحبت با کسی که تو را [از یاد خدا و آخرت] غافل و [به دنیا] شیفته گرداند؛ زیرا چنین کسی تو را تنها می گذارد و به

ص: 66

1- میزان الحکمه ج 6 ص 3017

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3017

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

4- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

5- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

هلاکت می افکند. (1)»

و آگاه باش که دروغ کلید همه ی بدی هاست؛

«از مصاحبت با دروغگو دوری کن و اگر هم ناچار به این کار شدی، حرفهایش را باور مکن و به او مگو که حرفهایش را باور نمی کنی؛ چه او از دوستی با تو دست بر می دارد، اما از خوی خود دست نمی کشد. (2)»

و پرهیز از کسی که، از خویشان نزدیک می بُرد؛

«زنهار از مصاحبت با کسی که از خویشان خود می بُرد؛ زیرا من چنین کسی را در سه جای کتاب خداوند عزوجل لعنت شده یافتیم. (3)»

به هوش باش

«زنهار از مصاحبت با احمق، زیرا هر چه به او نزدیکتر باشی، گزندش به تو نزدیکتر است. (4)»

به نحو مؤکد توصیه می فرماید؛

«زنهار از مصاحبت با احمقِ دروغگو؛ زیرا چنین کسی سود تو را میخواهد، اما به تو زیان میرساند، دور را به تو نزدیک و نزدیک را از تو دور نشان میدهد، اگر او به تو امانتی سپارد، خوارت میگرداند، اگر سخنی به تو بگوید، دروغ میگوید و اگر تو به او سخنی بگویی،

ص: 67

1- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

4- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

سخت را دروغ می‌شمارد، حکایت تو و او همچون سرابی است که آدم تشنه، آن را آب پندارد، اما وقتی نزدیک آن رَوَد چیزی نمی‌یابد. [\(1\)](#)»

دلسوزانه به فرزندانش از جمله به شیعیان خود تأکید می‌کند؛

«فرزندم! از دوستی با احمق بپرهیز؛ زیرا او میخواهد به تو سود رساند، اما زیان می‌زند. [\(2\)](#)»

و متوجه باشید که؛

«مصاحبت با احمق، شکنجه روح است. [\(3\)](#)»

و

«بریدن از احمق دوراندیشی است. [\(4\)](#)»

و

«با احمق مصاحبت مکن؛ زیرا او کردار خود را در نظر تو می‌آراید و دوست دارد که تو نیز همانند او باشی. [\(5\)](#)»

این دغل دوستان تو را به زحمت می‌اندازند و لذا،

«بدترین دوست، آن که برای او به رنج و زحمت افتی. [\(6\)](#)»

و مجدداً می‌فرماید؛

ص: 68

1- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3019.

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

4- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

5- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

6- نهج البلاغه حکمت 479

«همنشین بی خرد مباش، که کار زشت خود را برای تو زیبا جلوه دهد، و دوست دارد که تو نیز مانند او شوی. (1)»

و در چهار مورد بخصوص تأکید دارد؛

1. «پسرم از دوستی با احمق بپرهیز، چرا که میخواهد به تو نفعی رساند اما دچار زیان می کند.

2. از دوستی با بخیل بپرهیز، زیرا آنچه را که سخت به آن نیاز داری از تو دریغ می دارد.

3. و از دوستی با بدکار بپرهیز، که با اندک بهایی تو را می فروشد.

4. و از دوستی با دروغگو بپرهیز، که او به سراب ماند، دور را به تو نزدیک، و نزدیک را دور می نمایاند. (2)»

پس،

«از بدان دور شو و از آنان دوری کن. (3)»

پیامبر اعظم اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم چه زیبا فرمود که؛

«هر که با متهمان آمیزش کند؛ بیشتر از همه مردم، سزاوار تهمت است. (4)»

و

«از یار بد بپرهیز، که تو را بدو شناسند. (5)»

ص: 69

1- نهج البلاغه حکمت 293

2- نهج البلاغه حکمت 38

3- نهج البلاغه نامه 31

4- نهج الفصاحه ح 975

5- نهج الفصاحه ح 1012

«در مصاحبت کسی که تو را همسنگ خود نداند، خیری نیست. (1)»

«گمراه را بجز گمراه دوست ندارد. (2)»

و هشدار هشدار! که مبادا دشمن علی علیه السلام را به دوستی انتخاب کنی که در واقع؛

«دوست دشمن علی، دشمن علی است. (3)»

و شقاوتی بالاتر از این متصور نیست؟! «

«شگفتا که حسودان، از سلامتی خود غافل اند. (4)»

متوجه باش که؛

«چه بسا فامیلی که دوست نیست. (5)»

و آنگاه بدترین ها را بیان فرمود که؛

«بدترین همسالان و همدمان، کسی است که شک و تردیدش در کارها زیاد باشد. (6)»

ص: 70

1- نهج الفصاحه ح 2492

2- نهج الفصاحه ح 2559

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3021

4- نهج البلاغه حکمت 225

5- غرر الحکم ج 1 ص 68 ح 53

6- غرر الحکم ج 1 ص 68 ح 54

«بدترین همراهان و یاران کسی است که زود تغییر حالت می‌دهد. (1)»

و

«بدترین برادران تو و خیانتکارترین شان، کسی است که تو را بر دنیا تشویق و ترغیب نماید و از آخرت غافل و سرگرم سازد. (2)»

و

«بدترین برادرانت، کسی است که از کار خیر خودداری کند و تو را نیز همانند خود از کار خیر باز دارد. (3)»

و

بدترین برادرانت خیانتکاری است که، ظاهر سازی کند. (4)»

و

«بدترین برادرانت کسی است که، تو را درباره خودت فریب داده و ظاهر سازی کند، و عیب تو را از خودت بپوشاند. (5)»

و

بدترین برادرانت، کسی است که تو را به پیروی هوا و هوس تشویق کرده و نسبت به دنیا فریفته و شیدا کند. (6)»

ص: 71

1- غرر الحکم ج 1 ص 68 ح 55

2- غرر الحکم ج 1 ص 68 ح 56

3- غرر الحکم ج 1 ص 68 ح 57

4- غرر الحکم ج 1 ص 68 ح 58

5- غرر الحکم ج 1 ص 68 ح 59

6- غرر الحکم ج 1 ص 69 ح 60

و

«بدترین برادران، کسی است که در فراخی زندگی پیبوند، و در گرفتاری فاصله گیرد و جدا شود.»(1)

و

«بدترین برادران کسی است که انسان را یاری نکند.»(2)

و

«بدترین برادران کسی است که روز بد خود را برای تو نیز بخواهد (که توهم در بدی مانند او گردی).»(3)

«بدترین برادران، کسی است که تو را ناچار به سازش کند و مجبور به عذرخواهی نماید.»(4)

و

«بدترین برادران تو، کسی است که تو را به کار باطل خوشنود سازد. (یعنی برای خوشنودی تو دست به کار باطل زند، یا تو را با کار باطل، خوشنود کند).»(5)

و آنهایی را که ادعای برادری و دوستی میکنند ولی در واقع دوست و

ص: 72

1- غرر الحکم ج 1 ص 6169

2- غرر الحکم ج 1 ص 62 69

3- غرر الحکم ج 1 ص 6369

4- غرر الحکم ج 1 ص 69 ح 64

5- غرر الحکم ج 1 ص 69 ح 65

برادر نیستند، این چنین وصف فرمود؛

«برادرت نیست، کسی که تو نیازمند باشی (در همه جا و در هرکاری اگرچه خلاف باشد) با او مدارا کنی. (1)»

«برادرت نیست، کسی که تو را محتاج به حاکمی (برای قضاوت) میان تو و خود سازد. (2)»

زیرا

«به آقایی و سیادت نرسد کسی که، برادرانش جز او نیازمند به دیگری باشند. (3)»

بنابراین

«از بزرگترین حماقتها، برادری با گنهکاران است. (4)»

پس تو؛

«برادران دنیایی را زیاد مکن، که اگر از نگهداری آنها ناتوان شدی دشمنت گردند، و به راستی حکایت آنان حکایت آتش است، که زیادش بسوزاند و کم آن سود دهد. (5)»

دقت کنید به زیبایی کلام و عمق معنی) و همچنین

«برادری مکن، با کسی که منقبتها و خوبیهایت را می پوشاند،

ص: 73

1- غرر الحکم ج 1 ص 70 ح 75

2- غرر الحکم ج 1 ص 70 ح 76

3- غرر الحکم ج 1 ص 71 ح 77

4- غرر الحکم ج 1 ص 71 ح 84

5- غرر الحکم ج 1 ص 73 ح 93

ولی عیبهایت را بگستراند و نشر دهد. (1)

و توجه داشته باش که

«دوست راستین، نیست مگر کسی که از برادر خود در پنهانی و غیابش و بیچارگی و مرگش نگهداری کند. (2)»

و انتظار خیر نداشته باش؛

«در برادری که نخواهد برای تو آنچه را برای خود خواهد که خیری در آن نیست. (3)»

هشیار باش و هرگز

«نزد مردمان جفا پیشه، برادری مجوی بلکه نزد مردمانی که شرط برادری نگه دارند و باوفا باشند برادری را بجوی. (4)»

زیرا

«دوستی با کسی که ادیب و سخن سنج نیست با صفا و پاکیزه نباشد. (5)»

و؛

«هم نشینی با شخص بد، عذابی است. (6)»

بنابر آنچه گفته شد

ص: 74

1- غرر الحکم ج 1 ص 73 ح 97

2- غرر الحکم ج 1 ص 74 ح 101

3- غرر الحکم ج 1 ص 73 ح 100

4- غرر الحکم ج 1 ص 73 ح 98

5- غرر الحکم ج 1 ص 73 ح 99

6- غرر الحکم ج 1 ص 186 ح 4

«از بدان دوری کن و با نیکان هم نشین شو. (1)»

چون

«کانون بدی، در هم نشینی با همراه بد است. (2)»

و

«آمیزش با فرزندان دنیا (و دنیا طلبان) دین را زشت و یقین را ضعیف گرداند. (3)»

چون؛

«شخص پست، پیروی نکند مگر همانند خود را و میل نکند مگر به سوی هم جنسان خود. (4)»

و این صفت شناخته شده است که؛

مردمان بدکار دوستی نمی کنند جز با همانندان خویش. (5)»

و

«مردمان پست بخشش و احسان نمی کنند جز به امثال خود. (6)»

و نتیجه این است که؛

ص: 75

1- غرر الحکم ج 1 ص 187 ح 7

2- غرر الحکم ج 1 ص 188 ح 8

3- غرر الحکم ج 1 ص 189 ح 12

4- غرر الحکم ج 1 ص 190 ح 1

5- غرر الحکم ج 1 ص 191 ح 5

6- غرر الحکم ج 1 ص 191 ح 6

«کسی که در راه دنیا برادری برقرار سازد، محروم گردد. (1)»

زیرا؛

«دوستی فرزندان دنیا و دنیا پرستان با کوچکترین عارضه ای (و اندک چیزی که پیش آید) از بین می‌رود. (2)»

همچنانکه؛

«دوستی نادانان، دستخوش دگرگونی شود و سریع الانتقال است (و به زودی از بین می‌رود). (3)»

و مثل آن، این است که؛

«دوستی با مردم عامی بریده شود همانند بریده شدن ابرها، و باز شود همانند باز شدن سراب. (4)»

برای همین تأکید شده است که؛

«دوستی فرزندان دنیا (و دنیا پرستان) با بریده شدن اسباب آن بریده شود. (5)»

«وَدُّ ابناء الدنيا يَنْقَطِعُ لِانْقِطَاعِ اَسْبَابِهِ»

«دوستی با فرزندان دنیا پایان می‌پذیرد، با پذیرفتن و قبول وسیله این قطع شدن (ترک و قطع رابطه با دنیا دوستی و دنیا مداری و دنیا

ص: 76

1- غرر الحکم ج 1 ص 70 ح 73

2- غرر الحکم ج 1 ص 221 ح 48

3- غرر الحکم ج 1 ص 221 ح 49

4- غرر الحکم ج 1 ص 221 ح 50

5- غرر الحکم ج 1 ص 221 ح 53

دوستان و دنیا مداران.)»

پس وظیفه این است که شما؛

«با کافر دوستی نکنید و با نادان مصاحبت و همراهی نمایید. (1)»

و بنابر آنچه گفته شد،

«واگذار مکن دوستی خود را به کسی، هرگاه جایگاهی برای آن نیافتی. (2)»

مراقب باش

«شخص حسود را دوستی و رفاقت نیست (یعنی نمیتواند با کسی دوستی کند و اگر دوستی کرد اعتمادی به دوستی او نیست). (3)»

زیرا

«آدم حسود از کسی که بدو حسد ورزیده خوشنود نشود جز به مرگ او یا به زوال نعمت از وی. (4)»

«آدم حسود در گفتارش اظهار دوستی کند و در کردارش کینه خود را پنهان دارد و چنین کسی نام دوست را دارد و صفت دشمن را. (5)»

ص: 77

1- غرر الحکم ج 1 ص 222 ح 56

2- غرر الحکم ج 1 ص 222 ح 57

3- غرر الحکم ج 1 ص 249 ح 10

4- غرر الحکم ج 1 ص 254 ح 66

5- غرر الحکم ج 1 ص 251 ح 33

آوخ از حسد و حسد ورزی چون:

«هنگامی که ابر حسد ورزی به یکدیگر بر جایی بیارد، از آنجا درخت فسادگری (و فتنه و آشوب) برآید. (1)»

سخت باید توجه کرد؛

«میوه حسد، بدبختی دنیا و آخرت است. (2)»

و

«ریشک بردن دوست، (بر دوست خود) از بیماری دوستی (میان آن دو)

است. (3)»

و

«چه بسا دوستی که حسود باشد. (4)»

و اصلاً

«آدم حسود، دوستی و رفاقت ندارد. (5)»

و طرز فکر او چنین است که؛

«آدم حسود میپندارد که زوال نعمت از کسی که مورد حسدش قرار گرفته نعمتی است برای او (در صورتی که از زوال نعمت آن

ص: 78

1- غرر الحکم ج 1 ص 252 ح 37

2- غرر الحکم ج 1 ص 252 ح 39

3- غرر الحکم ج 1 ص 252 ح 44

4- غرر الحکم ج 1 ص 252 ح 41

5- غرر الحکم ج 1 ص 253 ح 56

شخص چیزی به حسود نمیرسد). (1)

امام هشدار می دهد که؛

«از آدم احمق، پرهیز که مدارا کردن تو را به رنج اندازد، و موافقت و همراهی با او تو را به هلاکت دچار سازد، مخالفت با او تو را بیازارد. همراهی و مصاحبتش برای تو وبال و غذایی به بار آورد. (2):»

و تأکید می فرماید:

«پرهیز از دوستی با احمق که به نظر خودش میخواهد به تو سودی برساند ولی زیان میزند، و تو را ناراحت میکند و خودش می پندارد که خوشحال و شادمانت کرده است. (3):»

و تکرار می فرماید که؛

«پرهیز از دوستی با احمق زیرا او میخواهد به تو سود رساند ولی زیانت میزند. (4):»

و

«احمق ترین مردم کسی است که کار پستی را برای دیگران زشت بداند ولی خود بدان دچار باشد. (5):»

و اوج حماقت این است؛

ص: 79

-
- 1- غرر الحکم ج 1 ص 251 ح 28
 - 2- غرر الحکم ج 1 ص 300 ح 10
 - 3- غرر الحکم ج 1 ص 300 ح 11
 - 4- غرر الحکم ج 1 ص 301 ح 12
 - 5- غرر الحکم ج 1 ص 301 ح 18

«احمق ترین مردم، کسی است که از کار نیک جلوگیری میکند و میخواهد که او را سپاس گویند و کاربرد می کند و انتظار پاداش نیکو دارد.

(1)

لذا دقت کن در انتخاب دوست عاقل و پرهیز از دوست احمق و گرنه؛

«سزاوار خواری است، کسی که دوستی احمقان را غنیمت داند.» (2)

مبادا با افراد ناسازگار طرح دوستی بنا کنی که؛

«ناسازگاری وسیله برانگیخته شدن جنگهاست.» (3)

و

«ناسازگاری و اختلاف، رأی ها را نابود کند.» (4)

«کارهای نظام یافته و درست را ناسازگاری و اختلاف تباه کند.» (5)

زیرا، به طور حتم

«سبب جدایی و پراکندگی اختلاف است.» (6)

چون؛

ص: 80

1- غرر الحکم ج 1 ص 301 ح 19

2- غرر الحکم ج 1 ص 304 ح 42

3- غرر الحکم ج 1 ص 331 ح 1

4- غرر الحکم ج 1 ص 331 ح 2

5- غرر الحکم ج 1 ص 332 ح 3

6- غرر الحکم ج 1 ص 332 ح 4

«اختلاف بسیار، ستیزه جویی و دشمنی است.» (1)

در این حال امیدی به برادری نداشته باش زیرا:

«با بودن اختلاف، الفتی در کار نیست.» (2)

و

«کندی کارها، به خاطر اختلاف است.» (3)

و پیوسته؛

«با دشمنی و ستیزه جویی کندی است.» (4)

«جز این نیست که دشمن را دشمن گویند، بخاطر ستمی که بر تو می کند، و کسی که عیبهای تو را با چاپلوسی و چرب زبانی از تو می پوشاند، همان دشمنی است که بر تو ستم میکند.» (5)

«جستجو و تفحص در عیبهای دیگران از بزرگترین خصلتهای بد و زشت است.» (6)

«انسانهای عیب دار اشاعه و رواج دادن عیبهای مردم را دوست میدارند تا عذر ایشان در مورد عیبهای خودشان آسان شود.» (7)

بنابر آنچه گفته شد

ص: 81

1- غرر الحکم ج 1 ص 332 ح 5

2- غرر الحکم ج 1 ص 332 ح 6

3- غرر الحکم ج 1 ص 332 ح 7

4- غرر الحکم ج 1 ص 332 ح 8 ج 1

5- غرر الحکم ج 2 ص 229 ح 10

6- غرر الحکم ج 2 ص 229 ح 14

7- غرر الحکم ج 2 ص 229 ح 16

«باید مبعوض ترین مردم نزد تو و دورترین آنها از تو کسی باشد که بیشتر از دیگران در جستجوی عیبهای مردم است. (1)»

آری:

«کسی که بپوشاند عیب تو را بر تو، او دشمن تو است. (2)»

«کسی که در مورد عیب تو با تو چاپلوسی و چرب زبانی کند، در غیاب تو را عیب گوید. (3)»

«کسی که عیب تو را بپوشاند و در غیاب تو را عیب کند، چنین کسی دشمن است از او دوری کن. (4):»

«کم عقلی و حماقتی بزرگتر از فخر فروشی نیست. (5)»

بهوش باش که:

«سزاوار است که فخر کردن به همتهای والا، و وفاداری به پیمانها و مبالغه در بزرگواری و کرم باشد، نه به استخوانهای پوسیده و خصلتهای

نکوهیده! (6)»

«فخر و مباحات نکن، به حالتی که بی جهت به آن رسیده ای و به مرتبه ای که بدون هیچ گونه مزیتی به آن دست یافته ای، زیرا آنچه را اتفاق

پی ریزی میکند، استحقاق ویرانش کند. (7)»

ص: 82

1- غرر الحکم ج 2 ص 231 ح 29

2- غرر الحکم ج 2 ص 232 ح 33

3- غرر الحکم ج 2 ص 232 ح 35

4- غرر الحکم ج 2 ص 232 ح 38

5- غرر الحکم ج 2 ص 271 ح 8

6- غرر الحکم ج 2 ص 9271

7- غرر الحکم ج 2 ص 271 ح 10

مراقب باشید که:

«آدم پست و فرومایه شرم نمی کند. (1)»

و

بگریزید همه ی گریز. (تا میتوانید) از فرومایه ی احمق. (2)»

هشدار که:

«پستی و فرومایگی ایثار کردن و اختیار نمودن دوستی مال است، بر دوستی ستایش و سپاس دیگران. (3)»

«آدم پست جوانمردی ندارد. (4)»

«انسان پست و فرومایه، احسانهای گذشته ی خود را همچون وامی پندارد که باید مردم آن را باز پس دهند. (5)»

و

«آدم پست، چون قدرت یابد فحش دهد و بد زبانی کند، و چون وعده ای دهد، عمل نکند. (6)»

و هشدار

ص: 83

1- غرر الحکم ج 2 ص 395 ح 6

2- غرر الحکم ج 2 ص 399 ح 41

3- غرر الحکم ج 2 ص 396 ح 16

4- غرر الحکم ج 2 ص 395 ح 5

5- غرر الحکم ج 2 ص 396 ح 19

6- غرر الحکم ج 2 ص 396 ح 12

«دوست صمیمی مشمار کسی را که با مال خود مواسات نکند.(1)»

و

«اعتماد نکن، به دوستی کسی که به عهد خود وفا نکند.(2)»

زیرا

«عهد و پیمانی ندارد، کسی که وفا ندارد.(3)»

درباره ی دوستان بد مطالب بسیار دیگری هست که همه هشدار دهنده و بیدار کننده می باشد، به همین مقدار اکتفا شد.

ص: 84

1- غرر الحکم ج 2 ص 538 ح 6

2- غرر الحکم ج 2 ص 555 ح 33

3- غرر الحکم ج 2 ص 555 ح 34

6- امتحان دوست

از جمله نعمتهای الهی که انسان با انتخاب خود به دست می آورد دوست است، و اختیار با آدمی است که از میان هزاران عضو جامعه کدام را برای دوستی و برادری برگزیند، چه این اختیار انتخاب در مورد خویشاوندان، مشکل تر است. هرگاه انسان بخواهد از خویشاوندان و آشنایان، دوست صمیمی و صادق برگزیند. امام علیه السلام می فرمایند، تو اختیار انتخاب دوست را داری ولی تا آزمایش نکرده ای انتخاب مکن و چون انتخاب کردی صمیمی مباش تا با آزمایشهای مکرر از صداقت و صمیمیت او مطمئن شوی، آنگاه با او انیس و مونس باش، امام در عین حال روشهای این امتحان را این چنین بیان میفرماید:

«سؤال کن و جويا شو از رفیق پیش از جويا شدن و انتخاب راه. (1)»

و توجه داشته باش که؛

«اعتماد کردن به هر کسی، پیش از آزمودن [او]، ناتوانی است. (2)»

ص: 85

1- غرر الحکم جلد یک ص 648

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3025

«هرگز به دوستی با کسی که او را خوب نشناخته ای، رغبت مکن. (1)»

«پیش از آزمودن دوست، به او اعتماد مکن. (2)»

زیرا؛

«مردم جز با آزمایش شناخته نمی‌شوند؛ پس زن و فرزند خود را در غیابت آزمایش کن و دوستت را در گرفتاریش و خویشاوندت را در تنگ‌دستی و کسانی را که زبان مهر و محبت و ثنا دارند در بیکاریت، تا بدین وسیله به موقعیت خود نزد آنان پی ببری. (3)»

حال که معتقد شدی که بایستی ابتدا امتحان کنی سپس انتخاب، بدان که راه‌های امتحان اینگونه است؛

«در سختی است که دوست آزمایش شود. (4)»

«در هنگام از بین رفتن و زوال قدرت است که دوست از دشمن آشکار گردد. (5)»

بنابراین

ص: 86

1- میزان الحکمه ج 6 ص 3027

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3025

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3027

4- غرر الحکم جلد یک ص 647

5- غرر الحکم جلد یک ص 647

«به دوستی هیچ کس بهایی نده، مگر آن گاه که سه بار او را به خشم آوری.» (1)

«هیچ کس را به دوستی مشناس، مگر آن که درسه چیز او را بیازمایی:

1. او را به خشم آوری و ببینی که آیا این خشم او را از حق به باطل می کشاند،

2. و در درهم و دینار (نیازهای اقتصادی)

3. و در سفر کردن با او.» (2)

تأکید می فرماید؛

«اگر میخواهی بدانی برادرت در دوستی با تو صداقت دارد، او را عصبانی کن؛ اگر در هنگام عصبانیت نیز بر دوستی خود پایدار ماند، او

برادر توست و گرنه نیست.» (3)

آگاه باش که؛

«دوست با سه چیز آزموده میشود:

اگر در آنها همراهی کرد، یکرنگ است و گرنه دوستِ دورانِ خوشی است نه دوستِ دورانِ سختی : که از او مالی بخواهی یا او را بر مالی

امین کنی و یا در سختی و ناخوشی او را شریک خود گردانی.» (4)

ص: 87

1- میزان الحکمه ج 6 ص 3013

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3013

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3013

4- میزان الحکمه ج 6 ص 3027

«به هنگام از دست رفتن قدرت است که دوست از دشمن، بازشناخته میشود. (1)»

پس بدان که

«برادرت را شناسی، مگر زمانی که به او نیاز پیدا کنی. (2)»

و بهترین امتحان برای شناختن دوست صمیمی و واقعی چنین است:

«هر یک از برادرانت که سه بار بر تو خشم گرفت و از تو بدی نگفت، او را برای خود نگه دار. (3)»

و

«هرگاه خواستی از صداقت برادرت نسبت به خود آگاه شوی او را خشمگین کن؛ اگر بر دوستیش با تو پایداری ورزید او برادر توست و گرنه

نیست. (4)»

هشیار باش و با مردمان بزرگواری دوستی کن و بدان؛

«در هنگام ایثار دیگران بر خویشان، گوهر مردمان بزرگواری آشکار گردد. (5)»

و توجه داشته باش که؛

ص: 88

1- میزان الحکمه ج 6 ص 3027

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3027

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3027

4- میزان الحکمه ج 6 ص 3027

5- غرر الحکم ج 1 ص 28 ح 19

«چه بسیارند برادران در کنار سفره های رنگین و چه اندکند در هنگام پیش آمدهای ناگوار زمان.»(1)

این دغل دوستان که میبینی *** مگس‌اند گرد شیرینی

وفای به عهد و پیمان نشان دوستی راستین است.

«درستی دوستی، از گرامی داشتن عهد و پیمان است (چون دوستی نیز پیمانی است و باید آن را گرامی داشت).»(2)

در انتخاب دوست مراقب باشید که رشوه در کار نیست

«دوستیها را از دلها پرسید، که آنها گواهانی هستند که رشوه نگیرند.»(3)

و

«بسا دوستی ها که ساختگی است (و حقیقت ندارد).»(4)

و در واقع

«و در تنگی و سختی، حقیقت و نیکویی دوستی آشکار گردد.»(5)

و به هوش باش گوهر دوستی را نگهدار و

«زنهار گوهر دوستی خود را به کسی که وفا ندارد نبخش (و با او دوستی مکن).»(6)

ص: 89

1- غرر الحکم ج 1 ص 72 ح 89

2- غرر الحکم ج 1 ص 219 ح 34

3- غرر الحکم ج 1 ص 219 ح 33

4- غرر الحکم ج 1 ص 219 ح 36

5- غرر الحکم ج 1 ص 219 ح 32

6- غرر الحکم ج 1 ص 222 ح 55

«در تنگدستی، آشکار شود، مواسات نیکوی دوست. (1)»

«در سختیهاست که دوست آزموده می شود. (2)»

نسنجیده یارت مکن انتخاب *** که نشناسی از دور آب از سراب

گر آتش نیفتد به جان طلا *** طلا از مطلا نگردد جدا

ص: 90

1- غرر الحکم جلد یک ص 648

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3027

7- مرز دوستی

تمامی امور مادی و معنوی در این جهان حدود و ثغوری دارد و دارای «خط قرمز» است. که نپایستی از آن تجاوز شود، زیرا عدم رعایت حدود آن زیانبار خواهد بود و این حفظ حدود همان ترجمان حدیث شریف نبوی است که فرمود:

«خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا»

و در این مرحله توجه شود که امام علیه السلام مرز دوستی را بدینگونه بیان

می فرماید:

«ببخشای بر دوست خود کمال مودت و دوستی را، ولی همه اطمینان خود را به او نکن، و نسبت به او از خویشتن همه مواسات را انجام ده ولی همه اسرار خود را به او بازگو مکن. (1)»

«پرهیز از این که دوست خود را چنان از نزد خود برانی که جایی

ص: 91

برای دوستی باقی نگذاری، و از رفاقت و انس با او مقداری برجای نه، که برای بازگشت بدان اعتماد کند. (1)

و توجه داشته باش

«کسی که به خاطر هر کار خلافی از برادران فاصله بگیرد و دوری کند، یاران و دوستانش کم شوند. (2)

«کسی که نسبت به دوست خود خورده گیری کند و ریز بین باشد، دوستی او بریده شود. (3)

پیوسته توجه کن که؛

«دوستان تو سه گروهند و دشمنانت نیز سه گروه. دوستانت عبارتند از: دوستِ تو و دوستِ دوستِ تو و دشمنِ دشمنِ تو و دشمنانت عبارتند از: دشمنِ تو و دشمنِ دوستِ تو و دوستِ دشمنِ تو. (4)

بنابراین

«دشمن دوستت را به دوستی مگیر، که با این کار با دوستت دشمنی کرده ای. (5)

و غافل مباش که؛

ص: 92

1- غرر الحکم جلد یک ص 646

2- غرر الحکم جلد یک ص 647

3- غرر الحکم جلد یک ص 647

4- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

5- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

«دوست هر انسانی خرد اوست و دشمن او نابخردیش. (1)»

وسعی کن که ؛

«احترام میان خود و برادرت را از بین مبری و چیزی از آن را بر جای نه؛ زیرا با از بین رفتن حرمت، شرم نیز می رود. (2)»

و البته

«اگر می خواهی که دوستی برادرت برای تو خالص بماند، هرگز با او شوخی مکن، با او ستیزه مکن، به او فخر مفروش، و با وی خصومت مَورز. (3)»

بدان که

«ستیزه کردن، دوستی دیرینه را برهم میزند و گره محکم را می گشاید، کمترین چیزی که در ستیزه کردن هست، این است که هر یک می خواهد بر دیگری چیره آید و این چیره جویی، عامل اصلی بریده شدن پیوند دوستی است. (4)»

ودقت کن زیرا

«هرکس گوش به حرف سخن چین سپارد، دوست را از دست بدهد. (5)»

ص: 93

1- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

4- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

5- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

«حسادت ورزیدن دوست، از ناسالم بودن دوستی است.(1)»

توجه داشته باش که

«دوستی مرزهایی دارد، که هر کس همه یا برخی از آنها را داشته باشد، دوست است و گرنه او را اصلاً دوست مشمار:

1. نخست این که ظاهر و باطنش با تو یکی باشد؛

2. دوم این که آبروی تو را آبروی خودش داند و عیب و بی آبرویی تو را عیب و بی آبرویی خودش؛

3. سوم این که مقام و مال، او را نسبت به تو عوض نکند؛

4. چهارم این که هر کمکی از دستش برمی آید، از تو دریغ نکند؛

5. و پنجم آن چیزی که در بردارنده همه ی این خصلتهاست، این که در هنگام گرفتاری ها تو را تنها نگذارد.(2)»

و باز امام علیه السلام تأکید می فرماید؛

«همه محبتت را نثار دوستت کن، اما همه اطمینانت را به پای او مریز، هرگونه همدردی و کمک مالی به او بکن، ولی همه اسرار را با او

در میان مگذار.(3)»

همچنین احتیاط کن و شرط احتیاط آنست که؛

«در دوستی با دوست مدارا کن، شاید روزی دشمن تو گردد، و در دشمنی با دشمن نیز مدارا کن، زیرا شاید روزی دوست تو گردد.(4)»

ص: 94

1- میزان الحکمه ج 6 ص 3019

2- میزان الحکمه ج 6 ص 3025

3- میزان الحکمه ج 6 ص 3027

4- نهج البلاغه حکمت 268

و پیوسته میانه روی را فراموش مکن؛ زیرا

«کسی که میانه روی را ترک کند از راه حق منحرف می گردد، یار و همشین، چونان خویشاوند است. دوست آن است که در نهان آیین دوستی را رعایت کند. هوا پرستی همانند کوری است. چه بسا دور که از نزدیک نزدیک تر، و چه بسا نزدیک که از دور دورتر است، انسان تنها، کسی است که دوستی ندارد، کسی که از حق تجاوز کند.» (1)

تأکید میشود هم مدارا و هم میانه روی؛

«در دوستی میانه نگهدار که شاید دوست، روزی دشمن تو شود و در دشمنی راه افراط مسپار که شاید دشمن روزی دوست گردد.» (2)

مرز دیگر دوستی آنست که

«وقتی کسی آشنای خود را دوست دارد، بدو خبر دهد که این کار موجب بقای الفت و دوام مودت است.» (3)

پیوسته

«بخشنده باش اما زیاده روی نکن، در زندگی حسابگر باش اما سخت گیر مباش.» (4)

مواظب باش؛

«هرگاه نیکوکاری بر روزگار و مردم آن غالب آید، اگر کسی به

ص: 95

1- نهج الفصاحه ح 74

2- نهج البلاغه نامه 97/31

3- نهج الفصاحه ح 140

4- نهج البلاغه حکمت 33

دیگری گمان بد برد، در حالی که از او عمل زشتی آشکار نشده ستمکار است، و اگر بدی بر زمانه و مردم آن غالب شود، و کسی به دیگری خوش گمان باشد، خود را فریب داده. (1)

و کوشش کن که در برابر دوستان در جایگاه تهمت قرار نگیری زیرا؛

«کسی که خود را در جایگاه تهمت قرار داد، نباید جز خود را نکوهش کند. (2)»

لازم نیست همه ی رمز و راز زندگی ات را برای دوستان آشکار کنی، چون

«آن کس که راز خود را پنهان دارد، اختیار را در دست خود دارد. (3)»

در دوستیها و مرز آنها به این نکات هم توجه کن؛

1. بخشندگی، نگهبان آبروست،

2. و شکیبایی دهان بند بی خردان،

3. و عفو زکات پیروزی،

4. و دوری کردن، کیفر خیانتکار،

5. و مشورت چشم رهنمائی است.

6. و آن کس که با رأی خود احساس بی نیازی کند به کام خطرافتد،

7. شکیبایی با مصیبتهای شب و روز پیکار کند،

8. و بی تابی، زمان را در نابودی انسان یاری دهد،

9. و برترین بی نیازی ترک آرزوهاست،

10. و چه بسا عقل که اسیر فرمانروایی هوس است،

ص: 96

1- نهج البلاغه حکمت 114

2- نهج البلاغه حکمت 159

3- نهج البلاغه حکمت 162

11. حفظ و به کارگیری تجربه رمز پیروزی است

12. و دوستی نوعی خویشاوندی به دست آمده است،

13، و به آن کس که به ستوه آمده و توان تحمل ندارد، اعتماد نکن. (1)

در مورد نادیده گرفتن عیوب دوستان؛ فرماید:

«خود را به بی خبری نمایاندن، از بهترین کارهای بزرگواران است. (2)»

همچنین درباره ی عیوب دوستان؛ گوید:

«آنچه نمی دانی مگو، بلکه همه آنچه را که می دانی نیز مگو، زیرا خداوند بزرگ بر اعضاء بدنت چیزهایی را واجب کرده که از آنها در روز قیامت بر تو حجت آورد. (3)»

زیاد شوخی بخصوص شوخی بی جا مکن زیرا؛

«هیچ کس شوخی بیجا نکند، جز آن که مقداری از عقل خویش را از دست بدهد. (4)»

همچنین؛

«وقتی کسی (یا چیزی) را دوست داشتی زیاده روی نکن که هر چیزی را حدی و اندازه ای است. (5)»

و هشدار می دهد؛

ص: 97

1- نهج البلاغه حکمت 211

2- نهج البلاغه حکمت 222

3- نهج البلاغه حکمت 382

4- نهج البلاغه حکمت 450

5- غرر الحکم ج 1 ص 218 ح 25

«اگر نسبت به دوست خود قرار و آرامش پیدا کردی (همه اسرار و احوال خود را در اختیار او مگذار) و جنبه احتیاط را در کار او نگه دار، و از اسرار خود نگه دار آنچه را که ممکن است هنگامی از فاش کردن آن پشیمان شوی. (1)»

و از فوائد دوستی آنست که؛

«هماهنگی در اخلاق و رسوم مردم، ایمن ماندن از دشمنی و کینه های آنان است. (2)»

این حد و مرز را هم باید رعایت کرد

«هنگامی که برادری محکم شد، مدح و ثنا گفتن از یکدیگر زشت گردد. (3)»

پایان بخش «مرز دوستی» خداوند متعال قلوب ما را با این کلمات نورانی و سعادت بخش مولا منور گرداند.

ص: 98

1- غرر الحکم ج 1 ص 218 ح 24

2- نهج البلاغه حکمت 401

3- غرر الحکم ج 1 ص 74 ح 107

8- آثار دوستی

«همه ی انسانها و حتی موجودات زنده و گاهی جمادات نیز از همدیگر اثر پذیری دارند و هر مقدار به هم نزدیکتر باشند، این اثر پذیری بیشتر و وسیع تر است.

در دوستی افراد نیز این قانون حاکم است و هر مقدار دوستی ها نزدیکتر و در آن صمیمیت بیشتری باشد، آثاری که از هر یک بر دیگری بجا خواهد گذاشت بیشتر خواهد بود.

در بین عوامل تربیتی انسان، نقش دوست از همه پررنگ تر و بارزتر است. گرچه عواملی چون وراثت - محیط جغرافیائی - تعلیم و تربیت و ... در شکل گیری شخصیت انسان تأثیر گذار است، ولی نقش دوستی و انس و الفت افراد با یکدیگر مؤثرتر و آشکارتر خواهد بود و لذا فرمود؛

«آدمی بر آئین دوست خود است، پس هر یک از شما مواظب باشد که با چه کسی دوستی میکند.» (1)

و

ص: 99

«مردم را با دوستانشان بیازمائید؛ زیرا آدمی با کسی که از رفتارش خوشش بیاید، دوستی میکند.» (1)

«درباره ی هیچ کس قضاوتی نکنید، تا آن که ببینید با چه کسی همنشینی میکنید، زیرا آدمی از طریق همگنان و همتایانش شناخته میشود.» (2)

پس تو اول بگو با کیان زیستی *** پس آنگه بگویم که تو کیستی

«یار را به یار توان سنجید.» (3)

«فرد (پیوسته) بر روش دوست خویشتن است.» (4)

و بنابراین

«انسان در صف دوستان خویش است و نتیجه اعمالش بدو می رسد.» (5)

تأثیر دوستی تا جائی پیش می رود که فرموده اند؛

«محبتی که نسبت به چیزی داری، ترا کور و کر می کند.» (6)

و مهم تر، اینکه

ص: 100

1- همان

2- همان

3- نهج الفصاحه ح 336

4- همان ح 3077

5- همان ح 3093

6- نهج الفصاحه ح 1346

«هر که گروهی را دوست داشته باشد، خداوند وی را با آنها محشور می کند.» (1)

و

«رفیق در دنیای هر کس، همانند رفیق در دین اوست.» (2)

اعتقادات خود را از او میگیرد و در قیامت با اوست.

که گفته اند:

«دوست صمیمی، نزدیک ترین نزدیکان است.»

و دوست صمیمی

«برترین بخش از دو بخش اندوخته در زندگی است.» (3)

مجموعه ی اخلاق فرد؛ اعم از پندار و گفتار و کردار متأثر از دوست او می باشد و به شدت تحت تأثیر آن قرار دارد. و بر همین مبنا فرموده اند؛

«هرکس هر چیزی را دوست دارد از آن بسیار یاد کند.» (4)

(ملکه ی ذهنی اش میشود)

وحتی

«دوستی و دشمنی را به ارث میبرند.» (5)

و

ص: 101

1- همان ح 2986

2- غرر الحکم ج 1 ح 649

3- همان / 645

4- نهج الفصاحه ح 2984

5- همان 3196

«هر کسی همسنگ چیزی (شخصی) است، که دوست دارد.» (1)

و باید هشیار بود در انتخاب دوست و حفظ و پایداری دوستی با دوستان صالح و صدیق که شریک غم و شادی انسان هستند. و به همین مناسبت فرموده اند:

«برادران زیورند در فراخی زندگی، و پشتوانه ای هستند در گرفتاری.» (2)

و

«برادران زُداینده ی غم ها و اندوه ها هستند.» (3)

دوستی و مهر ورزی نسبت به یکدیگر، در الفت و آرامش روح هاست.» (4)

و باز فرموده اند:

«سودمندترین گنج ها محبت و دوستی دل هاست.» (5)

«با دوستی کردن و احسان، رشته ی محبت محکم و استوار شود.» (6)

ص: 102

1- همان 2003

2- غرر الحکم ج 1 ص 1062

3- همان ج 1 ص 63 ح 18

4- همان ص 216 ح 12

5- همان ص 217 ح 17

6- همان ص 218 ح 26

«با دوستی واقعی، محبت قلبی خواهد بود.» (1)

و چون دوستی به اوج خود رسد،

«هر که دوستی اش پاک و خالص باشد، کرشمه و نیاز او را بخرند.» (2)

از آثار دوستی پدران در فرزندان خواهد بود؛ بطوری که

«دوستی پدران، خویشاوندی میان پسران (فرزندان) است.» (3)

و تأکید شده است که دوستی و محبت کردن را تعمیم دهید و از خویشان و خویشاوندان به همسایگان هم برسید و به آنها احسان و نیکوکاری کنید چنانچه گفتند:

«بر شما باد به نیکوکاری و خوش رفتاری و احسان به خویشان و همسایگان که این هر دو، عمرها را طولانی و شهرها را آباد گرداند.» (4)

و باز تأکید شده است:

«کسی که به مردم احسان «دوستی» کند، سرانجام کارهایش نیکو شود و راههای آن برایش آسان گردد.» (5)

و فضیلت از آن کسی است که دوستی و احسان را آغاز کرده که فرمودند:

«کسی که «در دوستی» احسان کند، به کسی که بدی کرده، همه ی فضائل را در بر گرفته است.» (6)

ص: 103

1- همان ص 218 ح 30

2- همان ص 220 ح 41

3- همان ص 220 ح 47

4- همان ص 262 ح 57

5- همان ص 265 ح 82

6- همان ص 265 ح 84

«گردنها در برابر چیزی همچون احسان (و دوستی) فروتن و تسلیم نشده است. (1)»

و

«مردمان فرزند کارهای نیکی هستند که انجام میدهند. (2)»

پس اگر سیادت و آفائی میخواهید به این کلام توجه کنید:

«سیادت و آفائی، نیابد کسی که تحمل برادران (دوستان) را ندارد. (3)»

«رقابت کنید در خصلتهای پسندیده و بردباریهای بزرگ و اندیشه های بلند تا پاداشتان بزرگ گردد. (4)»

«هرکه پارسایی، خصلت او باشد و کرم و بخشندگی، سرشتش و بردباری، خویش، دوستانش و ستایش [گویان] او بسیار گردند و با ستایش بسیار از وی، از دشمنانش انتقام بگیرد. (5)»

«هرکه نرمخو و فروتن باشد، محبتش [بر دلها] لازم آید، و هر که ساقه (آوندش) نرم باشد، شاخه هایش انبوه شود. (6)»

گوش جان بسپاریم به اندرز و دستورالعمل حضرت سجاد علیه آلف

ص: 104

1- همان ص 266 ح 88

2- همان ص 268 ح 100

3- همان ص 307 ح 28

4- همان ص 332 ح 4

5- میزان الحکمه ج 6 ص 3023

6- میزان الحکمه ج 6 ص 3025

التحیته و السلام به یکی از محبان خود (زهری) شیعه معروف هنگامی که او را آزرده دیدند از کسانی که زهری به آنان نیکی کرده بود و آنها پیوسته به او حسد می ورزیدند و به او آزار می رساندند حضرت فرمود:

«تو باید مسلمانان را چونان خانواده خود به شمار آوری؛ بزرگ آنان را به منزله پدر خویش دانی و کوچکشان را به منزله فرزندت و همسالانت را همچون برادرت. تو دوست داری به کدام یک از اینها (پدر و برادر و فرزند) ستم کنی؟! ... اگر ابلیس که لعنت خدا بر او باد، به تو چنین وانمود کرد که بر فردی از مسلمانان برتری و فضیلتی داری، بنگر تا اگر از تو بزرگتر بود به خود بگویی: او در ایمان و کردار شایسته، بر من پیشی دارد، پس از من بهتر است و اگر از تو کوچکتر بود بگو: در معاصی و گناهان از او جلو هستم، پس او از من بهتر است و اگر همسال تو بود، بگو: من به گنهکاری خود یقین دارم و در گنهکاری او تردید، پس چرا باید یقینم را بگذارم و به تردیدم چنگ زنم و اگر دیدی مسلمانان تو را بزرگ و گرامی و محترم میدانند بگو: این از خوبی خود آنان است و اگر از آنان نسبت به خودت بی مهری و دلگیری مشاهده کردی بگو: این گناه و تقصیر من است. اگر چنین کردی خداوند زندگی را بر تو آسان میکند و دوستانت بسیار می شوند و دشمنانت اندک.» (1)

ص: 105

9- روش دوست یابی

به دست آوردن هر نعمت خداوند ابزار و وسیله ای دارد، که باید از آن استفاده کرد تا به آن نعمت دست یافت، برای یافتن دوستان هم باید از راه و روش دوست یابی بهره برد، اما این روش چیست و این راه کدام است.

از بیان مولا امیرالمؤمنین علیه السلام بخوانید که؛ امام فرمود:

«کسی که با مردم انس و الفت داشته باشد مردم او را دوست بدانند. (1)»

و

«خوشرویی رفیقان را با (انسان) انس دهد. (2)»

«گشاده رویی، کمند دوستی است. (3)»

این صفت عمومی است که، همه مردمان طالب و دوستدار گشاده روئی هستند و از کسانی که اخمو نیستند و با چهره گشاده و خوشروئی با

ص: 106

1- غرر الحکم ج 1 ص 87 ح 1

2- غرر الحکم ج 1 ص 158 ح 9

3- غرر الحکم ج 1 ص 158 ح 10

دیگران روبرو میشوند خوششان می آید، و از دوستی و مصاحبت با اینچنین مردمان دوری نمی کنند، بلکه در جلب توجه آنها به خود می کوشند.

بنابراین مقدمه، برای دوست یابی خوشروئی کافی است و همین خوشروئی، احسان و نیکوئی کردن در حق دیگران است؛ و هزینه دیگری ندارد.

و حضرت مولا علی علیه السلام به نحو موجز فرماید:

«خوشرویی برای بذل احسان به دیگران، وسیله بی خرجی است.»(1)

و

«وسیله محبت و دوستی خوشرویی است.»(2)

و نیز

«گشادگی رو و شکفتگی (چهره) و عطا بخشی و نیکوکاری و بذل هدیه، همه اینها وسیله ای است برای جلب دوستی و محبت مردمان.»(3)

و

«مؤمن با مردم انس دارد و دیگران نیز با او انس گیرند، و با مردم مهربانی کند.»(4)

بنابراین

«بر توباد به گشاده رویی که آن کمند محبت است.»(5)

ص: 107

1- غرر الحکم ج 1 ص 158 ح 11

2- غرر الحکم ج 1 ص 159 ح 21

3- غرر الحکم ج 1 ص 159 ح 22

4- غرر الحکم ج 1 ص 87 ح 2

5- غرر الحکم ج 1 ص 159 ح 23

و آغاز کن که

«برترین مردم از نظر مَنّت گذاری کسی است که، آغاز به دوستی کند. (1)»

فراموش مکن که؛

«سه چیز است که دوستی آورد، دین، فروتنی، بخشندگی. (2)»

و مجدداً فرمود:

«سه چیز است که محبت و دوستی مردم را در پی دارد، خوش خلقی، خوش رفاقتی، فروتنی. (3)»

و اینکه؛

«احسان، سبب دوستی و محبت است. (4)»

و هشدار که؛

«انسان نیکوکار، یاری و کمک شده است و بد کار خوار و پست. (5)»

در هر حال؛

«انسان بنده احسان است. (6)»

و

ص: 108

1- غرر الحکم ج 1 ص 217 ح 21

2- غرر الحکم ج 1 ص 218 ح 27

3- غرر الحکم ج 1 ص 218 ح 29

4- غرر الحکم ج 1 ص 256 ح 1

5- غرر الحکم ج 1 ص 256 ح 3

6- غرر الحکم ج 1 ص 256 ح 4

«کریم آن کسی است که آغاز به احسان کند (نه این که احسان دیگری را به احسان پاداش دهد. (1))»

و بخصوص؛

«احسان به شخص بدکار، دشمن (و دشمنی) را اصلاح کند. (2))»

پس

«کارهای نیکوکارانه را غنیمت شمار و عهد و پیمانهای برادران دینی را رعایت کن. (3))»

و در نیکوکاری پیگیر باش چون؛

«به راستی که نیکی کردن و احسان تو به کسانی که با تو نیرنگ زنند و نسبت به تو حسد ورزند، بیشتر آنان را خشمگین کند از مشاهده کارهای بدی که در برابر عمل خود از تو ببینند، و از این گذشته احسان تو ایشان را به صلاح نیز دعوت کند. (و سبب اصلاح آنان گردد). (4))»

(دقت کنید) شگفتی را بنگر که مولا می فرماید:

«من در شگفتم از کسی که برده ها را با مال خود میخرد و آزاد میکند، چگونه است که آزادگان را با احسان خود نمی خرد تا برده خویش گرداند. (5))»

ص: 109

1- غرر الحکم ج 1 ص 257 ح 9

2- غرر الحکم ج 1 ص 257 ح 14

3- غرر الحکم ج 1 ص 259 ح 27

4- غرر الحکم ج 1 ص 259 ح 32

5- غرر الحکم ج 1 ص 263 ح 61

هشیاری و زیرکی این است؛

«سرآغاز زیرکی و نجابت، احسان به مردم است. (1)»

همچنین مراقب باش و بدان که:

«نباید نیکوکار و بدکار نزد تو یکسان باشند، که این کار سبب میشود تا نیکوکار در احسان خود بی رغبت شود، و بدکار در عمل بد خود شتاب بگیرد. (2)»

ضمناً

«هنگامی که در برابر آدم سبک مغز بردباری کنی او را اندوهگین می کنی، پس با بردباری خود براندوهش بیفزا. (3)»

حلم و بردباری را فراموش مکن چون:

«به وسیله حلم، یاران زیاد گردند. (4)»

امام علیه السلام در این بخش به نکته های بسیار کلیدی و اساسی اشاره می فرماید؛ توجه کنید؛

«عیبهای مردم را جستجو مکن، زیرا اگر با خرد خود دریایی، از عیبهای خودت آن قدر هست که تورا باز دارد از عیب جوئی از دیگران. (5)»

«انسان کریم و بزرگوar خود را به غفلت و بی خبری زند و فریب

ص: 110

1- غرر الحکم ج 1 ص 263 ح 62

2- غرر الحکم ج 1 ص 267 ح 93

3- غرر الحکم ج 1 ص 294 ح 34

4- غرر الحکم ج 1 ص 294 ح 38

5- غرر الحکم ج 2 ص 233 ح 49

خورده نشان دهد. (1)»

«نظام و آراستگی جوانمردی به تحمل کردن لغزشهای برادران و رسیدگی خوب به همسایگان است. (2)»

«در گذر از لغزش دوست خود تا دشمنت تو را پاک بداند. (3)»

«احسان کن تا مقدم شوی و پیش افتی. (4)»

«احسان کن به مردم تا قدر و منزلتت بزرگ گردد. (5)»

آری

«بهترین مردم در زندگی کسی است که مردم در کنار احسان و بخشش او زندگی کنند. (6)»

«به وسیله ی احسان و بخشش، قدر و منزلتها بزرگ شود. (7)»

«شخص کریم و بزرگواری به وسیله ی بخشش بسیار شناخته شود. (8)»

ص: 111

1- غرر الحکم ج 2 ص 256 ح 1

2- غرر الحکم ج 2 ص 268 ح 4

3- غرر الحکم ج 2 ص 251 ح 6

4- غرر الحکم ج 2 ص 278 ح 3.

5- غرر الحکم ج 2 ص 278 ح 4

6- غرر الحکم ج 2 ص 279 ح 5

7- غرر الحکم ج 2 ص 279 ح 7

8- غرر الحکم ج 2 ص 279 ح 9

«زیور ریاست، احسان و بخشش است.»(1)

حضرت با تعجب می فرماید:

«در شگفتم از کسی که امید احسان از کسی را دارد که بالاتر از اوست، اما خود احسان نمی کند به کسی که پائین تر از خود اوست.»(2)

البته

«فضیلت و برتری به کمال نیکو و کارهای نیکو است نه به مال بسیار و عملها و منصب های بزرگ.»(3)

بنابراین

«گرامی بدار آنکه تو را دوست دارد، و در گذر از دشمن خود تا فضیلت و برتری تو کامل گردد.»(4)

بدان که

«آغاز مروّت گشاده رویی است و نهایت آن دوستی کردن با مردم است.»(5)

امام علیه السلام، طریق به آسایش و به بزرگی رسیدن را چنین بیان میکند و همه ما به سوی آن دعوت می فرماید:

ص: 112

1- غرر الحکم ج 2 ص 279 ح 14

2- غرر الحکم ج 2 ص 279 ح 16

3- غرر الحکم ج 2 ص 281 ح 3

4- غرر الحکم ج 2 ص 281 ح 2

5- غرر الحکم ج 2 ص 420 ح 17

«انصاف، سبب آسایش مردم است.(1)»

«شخص با انصاف و دادگر گریم و بزرگواری است.(2)»

آری

«انصاف، سرلوحه ی زیرکی و بزرگی است.(3)»

آری

«انصاف، شیوه ی مردمان شریف است.(4)»

و گوش فراده که

«انصاف، برترین فضیلتها است.(5)»

«انصاف، زیور فرمانروایی و حکومت است.(6)»

انصاف، برترین خصلتها است.(7)»

«انصاف، محبت را پایدار می کند.(8)»

«انصاف، موجب الفت دلها گردد.(9)»

«شخص مؤمن انصاف میکند به کسی که با او به انصاف عمل

ص: 113

1- غرر الحکم ج 2 ص 475 ح 1

2- غرر الحکم ج 2 ص 2476

3- غرر الحکم ج 2 ص 476 ح 3

4- غرر الحکم ج 2 ص 476 ح 4

5- غرر الحکم ج 2 ص 476 ح 5

6- غرر الحکم ج 2 ص 476 ح 6

7- غرر الحکم ج 2 ص 476 ح 7

8- غرر الحکم ج 2 ص 476 ح 8

9- غرر الحکم ج 2 ص 476 ح 9

«انصاف، خلاف و دشمنی را از میان مردم بردارد و سبب الفت ایشان گردد. (2)»

«انصاف دادن از خود، (یعنی به انصاف عمل کردن) همانند عدالت در فرمانروایی و حکومت است. (3)»

«شخص با انصاف و دادگر، یاور و دوست بسیار دارد. (4)»

«انصاف بده از خود با خاندانت و نزدیکانت و هر کس که مورد علاقه ی تو است، و نسبت به دوست و دشمن به عدالت رفتار کن. (5)»

«فضیلت‌های تواضع و فروتنی «فروتنی، فضیلت و برتری انسان را پراکنده و منتشر کند. (6)»

«فروتنی، زکات شرف و بزرگی است. (7)»

«فروتنی، شریف ترین آقایی و سیادت است. (8)»

«فروتنی، نردبان شرف و بزرگی است. (9)»

امام در سه سه کلمه میفرماید: «التواضع من مصادد الشرف» تواضع، وسیله و تور شکار کردن و به دست آوردن و نگاهداری شرف و بزرگی است.

ص: 114

-
- 1- غرر الحکم ج 2 ص 476 ح 10
 - 2- غرر الحکم ج 2 ص 476 ح 11
 - 3- غرر الحکم ج 2 ص 476 ح 12
 - 4- غرر الحکم ج 2 ص 476 ح 13
 - 5- غرر الحکم ج 2 ص 477 ح 14
 - 6- غرر الحکم ج 2 ص 540 ح 5
 - 7- غرر الحکم ج 2 ص 540 ح 6
 - 8- غرر الحکم ج 2 ص 540 ح 7
 - 9- غرر الحکم ج 2 ص 540 ح 8

«فروتنی کردن، از دامهای شرافت و بزرگی است.»(1)

«فروتنی، برترین شرف، از دو بخش شرافت و بزرگی است.»(2)

«فروتنی - با داشتن بلندی مرتبه - همانند عفو و گذشت کردن با داشتن قدرت و توانایی (برانتقام) است.»(3)

«تواضع، اساس عقل و دانایی است و تکبر، اساس جهل و نادانی.»(4)

«فروتنی کن تا بلند گردی.»(5)

«بزرگترین شرافتها، فروتنی است.»(6)

«والا ترین مردم کسی است که خود را کوچک بداند.»(7)

«بزرگترین بلندی مقام را در مردم کسی دارد که نفس خود را فرود آورده و افتادگی نموده است.»(8)

«شریفترین خلق و خوی ها عبارت است از تواضع، بردباری، نرم خویی.»(9)

«به راستی که اگر فروتنی کنی، خداوند بلندی گرداند.»(10)

«هرگاه شخص بلند مرتبه علم فقه (و احکام دین) بیاموزد، فروتنی کند.»(11)

ص: 115

-
- 1- غرر الحکم ج 2 ص 540 ح 9
 - 2- غرر الحکم ج 2 ص 540 ح 10
 - 3- غرر الحکم ج 2 ص 540 ح 11
 - 4- غرر الحکم ج 2 ص 541 ح 12
 - 5- غرر الحکم ج 2 ص 541 ح 13
 - 6- غرر الحکم ج 2 ص 541 ح 14
 - 7- غرر الحکم ج 2 ص 541 ح 15
 - 8- غرر الحکم ج 2 ص 541 ح 16
 - 9- غرر الحکم ج 2 ص 541 ح 17
 - 10- غرر الحکم ج 2 ص 541 ح 18
 - 11- غرر الحکم ج 2 ص 541 ح 19

- «رفعت و بلندی مرتبه به وسیله ی تواضع است.(1)»
- «بلندی و رفعت مقام به وسیله ی تواضع سنجیده میشود.(2)»
- «با تواضع بسیار، شرافت تکامل یابد.(3)»
- «با افتادگی، کارها نظم و ترتیب پیدا می کند.(4)»
- «در پیشگاه خداوند، فروتنی کن تا خداوند تو را رفعت مقام دهد.(5)»
- «فروتنی، آدمی او را بلند گرداند.(6)»
- «تمامی شرافت، فروتنی است.(7)»
- «فروتنی آدم شریف، سبب کرامت او می شود.(8)»
- «میوه ی تواضع، دوستی مردم است.(9)»
- «حاصل تواضع، شرافت و بلندی مرتبه است.(10)»
- «نردبان شرافت، فروتنی و سخاوت است.(11)»
- «به وسیله ی فروتنی با تکبر مخالفت کنید.(12)»
- «برای رفعت و بلندی مقام، فروتنی کافی است.(13)»

ص: 116

-
- 1- غرر الحکم ج 2 ص 541 ح 20
 - 2- غرر الحکم ج 2 ص 541 ح 21
 - 3- غرر الحکم ج 2 ص 541 ح 22
 - 4- غرر الحکم ج 2 ص 542 ح 23
 - 5- غرر الحکم ج 2 ص 542 ح 24
 - 6- غرر الحکم ج 2 ص 542 ح 25
 - 7- غرر الحکم ج 2 ص 542 ح 26
 - 8- غرر الحکم ج 2 ص 542 ح 27
 - 9- غرر الحکم ج 2 ص 542 ح 28
 - 10- غرر الحکم ج 2 ص 542 ح 29

11- غرر الحکم ج 2 ص 542 ح 30

12- غرر الحکم ج 2 ص 542 ح 31

13- غرر الحکم ج 2 ص 542 ح 32

«همانگونه که فروتنی کنی بزرگ شوی. (1)»

«کسی که تواضع کند، بلند مرتبه گردد. (2)»

«کسی که فروتن باشد، شرافت را از دست ندهد. (3)»

«کسی که فروتنی کند، خدوند او را بزرگ گرداند و رفعت مقام دهد. (4)»

«فروتنی نکنند، مگر انسان بلند مرتبه. (5)»

«شرافت به وسیله ی چیزی همانند فروتنی به دست نیاید. (6)»

«ما اکتسب الشرف بمثل التواضع»

هیچ چیز مثل تواضع کسب شرافت نتواند کرد.

«هیچ کس فروتنی نکرده، جز آنکه خداوند جلالت و عظمت او را افزون کند. (7)»

«آبرومند و بزرگ مردم کسی است که با وجود بلندی مرتبه فروتنی کند و با داشتن عزّت و شوکت افتادگی و کوچکی کند. (8)»

«زنهار روی خود را از روی تکبر از مردم مگردان، و با مردم نرمی کن و فروتنی کن از برای خداوندی که تو را بلند کرده است.»

«شرافتی همچون فروتنی نیست. (9)»

ص: 117

1- غرر الحکم ج 2 ص 542 ح 34

2- غرر الحکم ج 2 ص 542 ح 35

3- غرر الحکم ج 2 ص 542 ح 36

4- غرر الحکم ج 2 ص 542 ح 37

5- غرر الحکم ج 2 ص 543 ح 38

6- غرر الحکم ج 2 ص 543 ح 39

7- غرر الحکم ج 2 ص 543 ح 40

8- غرر الحکم ج 2 ص 42543

9- غرر الحکم ج 2 ص 543 ح 44

دوستی همچون پدیده های دیگر دارای امتیاز، خوبی ها و بدی هاست. آثاری دارد و برای استفاده ی بهینه از آن باید مرزهای آن را شناخت چنانچه در بخشهای گذشته به آن پرداخته شد.

همچنین دوستی را نیز آفاتی هست که باید آنها را شناخت و از آنها پرهیز کرد و سعی کرد به آفت ها و عوامل نابود کننده ی آن مبتلا نشویم. در این بخش، در خدمت مولای خویش هستیم تا ما را با آفات دوستی آشنا کنند و با شناخت آن دوستیها را پایدار و همیشگی نمائیم. ان شاء الله.

«حسادت از بزرگترین آفت های دوستی است، چنانچه فرمود؛

«حسادت بردوست، از آفات دوستی است. (1)»

دوستی با کسی که ما بخاطر مقام و موقعیت دنیائی با او دوست میشویم، پیوسته در سرایشیب خطر و نابودی است دقت کنید!

امام علیه السلام چه نیکو فرموده است:

«همنشین پادشاه، شیر سواری را ماند که دیگران حسرت منزلت او

ص: 118

را دارند، ولی خود می داند که در جای خطرناکی قرار گرفته است.(1)

آزردن دوست یکی دیگر از آفات دوستی است؛ پس مراقب باشیم که دوست خود را آزرده نکنیم چون؛

«آزردگی، برادری را تباه کند.(2)»

«روزگار منتظر ایستاده برای پراکنده کردن دوستی و الفتها.(3)»

و البته دوستی برای دنیا این چنین است؛

«برادران دنیایی دوستیشان بریده شود، چون وسائل و اسباب آن دوستی، به زودی بریده خواهد شد.(4)»

و چون امور دنیا پیوسته در حال تغییر و تحول است؛

«بسا که دو گروه بهم پیوسته جدا میشوند، و دو دسته مردمان هم خوی و همدم پراکنده شوند.(5)»

از آفات مهم این است که آنکس که پیوسته با اُمرا و بزرگان دولت سروکار دارد، به برادران کمتر می رسد و لذا فرمود:

«کسی که سرگرم به کار پادشاه شود، فراغت رسیدگی به برادران را ندارد.(6)»

انسان های کم خرد و بی تدبیر دوستان را از دست میدهند!

ص: 119

1- نهج البلاغه حکمت 263

2- غرر الحکم ج 1 ص 61 ح 2

3- غرر الحکم ج 1 ص 61 ح 5

4- غرر الحکم ج 1 ص 62 ح 13

5- غرر الحکم ج 1 ص 70 ح 69

6- غرر الحکم ج 1 ص 71 ح 81

«از ناتوانی تدبیر است که انسان دوستی برادران را به تباهی کشاند و از دست بدهد. (1)»

و هر کس به برادران و دوستانش رسیدگی نکند، خوشبخت نخواهد

شد زیرا؛

«نیکبخت نگردد کسی که برادرانش نگون بخت باشند. (2)»

بی وفائی آفت دیگر دوستی است که فرمود:

«چه زشت است بریدن (دوستی) پس از پیوند، و بی وفایی پس از برادری، و دشمنی پس از صفا (و صداقت) و از میان رفتن الفت و صمیمیت پس از استحکام و استواری آن. (3)»

دوستان بدکار بزودی انگیزه ی دوستی آنها قطع می شود؛

«دوستی مردمان بدکار از هر دوستی دیگری زودتر بریده و منقطع گردد. (4)»

و برعکس دوستیهای واقعی (خدائی) پایدار است؛

«کسی که چیزی را دوست بدارد، به یاد و ذکر آن شیفته شود (پیوسته به یاد او است). (5)»

اگر کسانی در دوستی شما مبالغه و تعریف کردند، این دوستی به آفت

ص: 120

1- غرر الحکم ج 1 ص 71 ح 83

2- غرر الحکم ج 1 ص 72 ح 87

3- غرر الحکم ج 1 ص 71 ح 86

4- غرر الحکم ج 1 ص 218 ح 23

5- غرر الحکم ج 1 ص 220 ح 40

نزدیک است. مثل عده ای که در خدمت حضرت علی علیه السلام چنین کردند و امام با خدای خویش نجوا کرده و عرض کرد؛

«بار خدایا تو مرا از خودم بهتر می شناسی، و من خود را بیشتر از آنان میشناسم، خدایا مرا از آنچه اینان میپندارند نیکوتر قرار ده و آنچه را که نمی دانند پیامرز. (1)»

هرگز به دنبال متهم کردن دوستان نباشید که؛ امام علیه السلام فرمود:

«گناه تراشی (و به دروغ کسی را متهم به گناه کردن) نخستین مرحله ی بریدن پیوند دوستی یا قطع رحم است. (2)»

همچنین مواظب باشید اسرار دوستان را فاش نکنید که؛

«لغزش در گفتگوهای محرمانه و دوستانه قابل بازگشت نیست. (3)»

امام علیه السلام در دوستی و هم صحبتی طریق نیکو را چنین اشاره فرموده است؛

«کسی که در گفتگوهای دوستانه دامنه سخن را کوتاه و اندک کند سالم ماند. (4)»

و بد خلقی موجب تنها شدن و آفت بزرگی است برای دوستی؛

«تنهایی و وحشتی وحشتناک تر از بد خلقی نیست. (5)»

ص: 121

1- نهج البلاغه حکمت 100

2- غرر الحکم ج 1 ص 464 ح 13

3- غرر الحکم ج 1 ص 470 ح 1

4- غرر الحکم ج 1 ص 470 ح 2

5- غرر الحکم ج 1 ص 336 ح 1

و اگر خواهان سیادت بین دوستان هستید بد خلقی را کنار بگذارید؛

چراکه :

«آدم بد خلق، سیادت و آقائی (بین دوستان) ندارد. (1)»

تا جایی که؛

«شخص بد خلق، آرامش و زندگی ندارد. (2)»

و

«بد خلقی، از فرومایگی است. (3)»

و چه زیبا فرمود؛

«کسی که بد خلق باشد، دوست و رفیقش هم ناباب گردد. (4)»

و باز فرمود؛

«کسی که خلق خود را نیکو نکنند، دوست و همراهش از او سودی نبرد. (5)»

و همچنین تأکید کرد؛

«کسی که بدخو باشد، همراه و رفیقش او را دشمن پندارد. (6)»

و حتی

ص: 122

1- همان

2- همان ص 336

3- همان ص 337

4- همان

5- همان

6- همان

«کسی که خلش بد باشد، (غیر از دوستان) خاندانش هم از او ملول گردند. (1)»

و عجیب اینکه فرمود؛

«کسی که خلش بد باشد، روزی اش تنگ شود. (2)»

و هشدار داد که؛

هر دردی قابل درمان است، مگر بد خلقی. (3)

آری

«بد خلقی، انسان را دچار وحشت و تنهایی میکند و انس و خوگرفتن را (بین دوستان) از میان میبرد. (4)»

و تأکید فرمود؛

«بد خلقی، (دوستان) نزدیکان را دچار وحشت کند و اشخاص دور را متنفر سازد. (5)»

بنابر آنچه گذشت و با شناخت عوامل آفات دوستی از منظر امام علی علیه السلام سعی کنیم دوستیهایمان را از آفات دور نگهداشته و در تحکیم و پایداری آنها بکوشیم. ان شاء الله.

ص: 123

1- همان

2- همان

3- همان

4- همان ص 338

5- همان

بخش دوستی اهل بیت علیه السلام را با این آیه قرآن مزین می کنیم؛

(... قُلْ لَا اسْتَلْكُم عَلَيْهِ اجْرًا اِلاَّ الْمَوْدَّةَ فِي الْقُرْبَى... (1))

در شأن نزول این آیه مفسرین گفته اند هنگامی که پیامبر وارد مدینه شدند و پایه های اسلام محکم گردید، انصار گفتند: ما خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می رسیم و عرض میکنیم اگر مشکلات مالی پیدا شود، این اموال ما بدون هیچگونه قید و شرط، در اختیار شما قرار دارد، هنگامی که این سخن را خدمت حضرت عرض کردند، آیه ی

(قُلْ لَا اسْتَلْكُم عَلَيْهِ اجْرًا اِلاَّ الْمَوْدَّةَ فِي الْقُرْبَى (2))

«بگو من مزدی از شما در برابر رسالت، جز محبت نزدیکانم نمی طلبم.» (3)

که به طور حتم، منظور از ذوی القربی بستگان و خانواده، پیامبر لصلی الله علیه و آله و سلم

ص: 124

1- سوره شوری 23/

2- سوره شوری 23

3- تفسیر نمونه ج 2 ص 425

است و دوستی آنها وسیله ای است، برای قبول امامت و رهبری ائمه ی معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از دودمان آن حضرت و پشتوانه ای بر ادای رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ادامه ماه راه او، کما اینکه در حدیث نبوی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

1. هرکس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بمیرد، شهید از دنیا رفته است.
2. آگاه باشید! هرکس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا برود، بخشوده است.
3. آگاه باشید! هرکس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا برود، با توبه از دنیا رفته است.
4. آگاه باشید! هرکس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا برود، مؤمن کامل الایمان از دنیا رفته است.
5. آگاه باشید! هرکس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رود، فرشته مرگ او را بشارت به بهشت میدهد و سپس منکر و نکیر (فرشتگان مأمور سؤال در برزخ) به او بشارت دهند.
6. آگاه باشید هرکس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رود، او را با احترام به سوی بهشت میبرند آنچنان که عروس به خانه داماد.
7. آگاه باشید! هرکس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رود، در قبر او دو در به سوی بهشت گشوده میشود.
8. آگاه باشید! هرکس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رود، خداوند قبر او را زیارتگاه فرشتگان رحمت قرار میدهد.
9. آگاه باشید! هرکس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رود، بر سنت و جماعت اسلام از دنیا رفته است.
10. آگاه باشید! هرکس با عداوت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رود، روز

قیامت در حالی وارد عرصه محشر میشود که در پیشانی او نوشته شده ریال مأیوس از رحمت خدا!

11. آگاه باشید! هرکس با بغض آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رود، کافر از دنیا رفته

12. آگاه باشید! هرکس با عداوت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رود، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم کسانی هستند که بازگشت امرشان به او است، کسانی که ارتباطشان محکم تر و کامل تر باشد «آل» محسوب می شوند، و شک نیست که فاطمه و علی و حسن و حسین، محکم ترین پیوند را با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داشتند، و این از مسلمات و مستفاد از احادیث متواتر است، بنابراین لازم است که آنها را «آل پیامبر» صلی الله علیه و آله و سلم بدانیم.

حال باید بینیم این همه تأکید در آیات و روایات بر دوستی اهل بیت برای چیست؟ جواب این سؤال این است که این انوار مقدسه انسانهای کاملی هستند که در تمام ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی، دنیوی و اخروی برای انسانها بهترین الگو و اسوه میباشند، و هر انسانی از این الگوهای کامل پیروی کند هم دنیای آبادی خواهد داشت و هم آخرتی همراه با سعادت و رستگاری ابدی، جوانان مسلمان باید به این باور برسند که برای خوشبختی دنیا و آخرت راهی جز پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت عصمت و طهارت و در رأس آنها مولا و مقتدایشان یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام ندارند.

با این مقدمه حال گوش دل به کلام امیر بیان امام الممتقین حضرت علی علیه السلام بسپارید که در مورد دوستی اهل بیت چه می فرماید:

«کورتترین مردم کسی است که، نابینا شده از دوستی ما، و برتری

و فضیلت ما، و دشمنی با ما را آشکار کرده بی آنکه جرم و گناهی از ما به او رسیده باشد، جز آنکه ما او را به سوی حق دعوت کرده و دیگران او را به سوی فتنه و دنیا خوانده اند، و اینان دنیا را برگزیده و پرچم دشمنی ما را برافراشته اند. (1)

و در مقابل این کوران بی خبر فرمود؛

«نیکبخت ترین مردم کسی است که فضیلت و برتری ما را شناخته و به وسیله ما به خداوند تقرّب جسته، و دوستی و محبت ما را پاک و خالص داشته، و آنچه را ما بدان ترغیب کرده انجام دهد، و از آنچه ما از آن نهی کرده ایم باز ایستد، پس چنین کسی از ما است و در سرای ماندنی در کنار ما خواهد بود. (2)

آنگاه فرمود؛

«بهترین حسنات (و کارهای نیک) محبت و دوستی ما است، و بدترین بدیها بغض و دشمنی ما است. (3)»

ولذا؛

«شایسته ترین و نزدیک ترین مردم به ما کسی است که ما را دوست بدارد، و آنهایی را که ما را دشمن میدارند، دشمن بدارد. (4)

و عمیقاً توجه داشته باشید که؛

«به راستی کار (شناسایی و معرفت) ما کاری بس دشوار و سخت و

ص: 127

1- غرر الحکم ج 1 ص 113 ح 1

2- غرر الحکم ج 1 ص 113 ح 2

3- غرر الحکم ج 1 ص 3113

4- غرر الحکم ج 1 ص 113 ح 4

خشن و پوشیده و نهانی است که پرده بر آن آویخته، و تحمل آن را ندارد (و نمی پذیرد) آن را مگر فرشته‌های مقرب یا پیامبری مرسل یا مؤمنی که خداوند دلش را با ایمان آزموده باشد. [\(1\)](#)»

زیرا

«که خدای تعالی توجهی به سوی زمین فرمود و ما را برگزید و برای ما شیعیانی انتخاب کرد که یاریمان کنند و درخوشی ما خوش باشند و دراندوه ما اندوهگین شوند و از بذل جان و مال خویش در راه ما دریغ نورزند اینها از ما هستند و بازگشتشان به سوی ما است و در بهشت (برین) با ما هستند. [\(2\)](#)»

و تأکید فرمود؛

«به راستی که کار ما سخت و دشوار است که بر نمی دارد (و نمی پذیرد) آن را مگر بنده ای که خداوند دلش را برای ایمان آزموده، و حفظ نمیکند حدیث ما را مگر سینه های امین و استوار و عقلها و خردهای آرام و با وقار. [\(3\)](#)»

و آنگاه با کنایه به خودستایان و حسودان گفت؛

«کجایند کسانی که پنداشتند آنها را «راسخان در علم» (ثابت گامان در دانش) نه ما، از روی دروغ و گردنکشی و رشک بر ما، به خاطر آنکه خدای سبحان ما را رفعت و بلندی داده و آنها را پست کرده، و به ما عطا کرده و آنها را محروم نموده و در (مقام

ص: 128

1- غرر الحکم ج 1 ص 113 ح 5

2- غرر الحکم ج 1 ص 114 ح 6

3- غرر الحکم ج 1 ص 114 ح 7

قرب و منزلت خویش) ما را در آورده و آنها را بیرون کرده، درخواست (از خدای متعال) برای بخشیدن هدایت، و بر طرف کردن کوری و ضلالت (از خدای تعالی) به وسیله ما است نه آنها. (1)

ای مردم!

هان (بدانید) که ما خاندان درهای حکمت و نورهای تاریکی ها و روشنی امتهما هستیم. (2)

و بدانید؛

«امام و پیشوایی از ما خاندان نیست، جز آنکه او دانا و عالم است به کسانی که بر آنها ولایت دارد، و این به خاطر گفتار خدای تعالی است.»

که فرموده

«براستی که تو بیم دهنده هستی و هر قومی را راهنمایی است. (3)»

تا آنجا که فرمود؛

«من و خاندانم وسیله امن و امان برای زمینیان هستیم، همان گونه که ستارگان وسیله امن برای آسمانیان هستند. (4)»

و اصلاً

«هیچ کس از افراد این امت به خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم مقایسه و

ص: 129

1- غرر الحکم ج 1 ص 114 ح 8

2- غرر الحکم ج 1 ص 115 ح 9

3- قرآن کریم سوره رعد آیه 7

4- غرر الحکم ج 1 ص 115 ح 11

سنجیده نشود، و آنان که ریزه خوار نعمت آل محمدند با آنها برابر نخواهند بود.⁽¹⁾

پس شما

«از راه حق و اهل حق منحرف نشوید که به راستی کسی که به جای ما خاندان دیگری را جایگزین کند، نابود گشته و دنیا و آخرت از چنگ او بیرون رفته است.»⁽²⁾

آگاه باشید؛

و

«ما بودیم که ستون حق را بر پا داشته و سپاهیان باطل را منهزم ساختیم.»⁽³⁾

و

«ماییم خوانندگان به حق و پیشوایان خلق و زبانهای راستگو، کسی که از ما پیروی کند مالک (سعادت و نیکبختی) گردد و هرکس نافرمانی ما کند نابود گردد.»⁽⁴⁾

و

«ماییم «باب حظه» و آن دروازه سلامتی است که هرکس در آن درآید، به سلامت مانده و نجات یابد و هر کس از ورود در آن تخلف کند نابود گردد.»⁽⁵⁾

ص: 130

1- غرر الحکم ج 1 ص 115 ح 12

2- غرر الحکم ج 1 ص 115 ح 13

3- غرر الحکم ج 1 ص 116 ح 14

4- غرر الحکم ج 1 ص 116 ح 15

5- غرر الحکم ج 1 ص 116 ح 16

سپس اشاره می‌فرماید به اهل بیت عصمت و طهارت و تأکید می‌کند؛

«آنهاست ستونهای اسلام و پناهگاه نگهداری مردم به وسیله اینان حق در جایگاه خود باز شناخته شد و باطل از جایی که اشغال کرده رانده گشت، و زبانش از بن برکنده شد، دین را توأم با فراگیری و به کار بستن دریافتند، نه دریافت شنیدن و نقل کردن

تنها. اینان (یعنی اهل بیت، امامان دین) جایگاه راز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پشتیبانان فرمان او و صندوقچه علم او و بازگشتگاه حکم او، و پناهگاه کتابهای او و کوههای دین هستند. آنان عضوهای گرامی ایمان و گنجینه های خدای رحمان هستند که چون سخن گویند به راستی سخن گویند و اگر خاموش شوند هم کسی

بر ایشان پیشی نگیرد. آنهاست گنجینه های ایمان، و معدن های احسان، اگر حکم کنند به عدالت حکم کنند، و اگر حجت و دلیل آورند بر خصم غالب آیند. آنها پایه های دین و تکیه گاه یقین هستند که به سوی ایشان باز گردد آنکه غلّو کرده (و درباره ایشان از حدّ گذرانده) و به ایشان بیوندد آن کس که (عقب مانده) و از دنبال رسد. آنها چراغهای تاریکیها، و سرچشمه های حکمت، و کانهای علم و دانش، و آوردگاه های حلم و بردباری هستند. آنها زندگی علم و دانش، و مرگ جهل و نادانی هستند، که حلم و بردباری شان شما را از علمشان خبر دهد، و سکوتشان شما را از منطقشان آگاهی دهد، آنان نه با حق مخالفت کنند و نه در آن اختلاف دارند و حق در میان آنها خاموشی است گویا، و گواهی

ص: 131

است راستگو. (1)»

آری جز این نیست که؛

«ماییم درخت نبوت و فرودگاه رسالت، و جایگاه رفت و آمد فرشتگان و چشمه های حکمت، و کانهای علم و دانش، یاور و دوست ما چشم به راه رحمت است، و دشمن ما و آنانکه بغض ما را در دل دارند، چشم به راه قهر و خشم خدا هستند. (2)»

«ما (اهل بیت) جامه زیرین (یعنی از نزدیکان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم)

هستیم ما از یاران و خادمان خانه و درهای معارف الهی میباشیم. مردم جز از درهای خانه به آن وارد نشوند و هرکس از غیر درهای خانه وارد شود دزدی است که به کیفرش خواهد رسید. (3)»

اگر خواهان سعادت دنیا و آخرت هستید!

«ماییم امینهای خداوند بر بندگانش، و برپاکندگان حق در شهرهایش به وسیله ما دوستان نجات یابند و به وسیله ما دشمنان نابود شوند. (4)»

آری

«ماییم بالش میانه که عقب مانده بدان ملحق شود و غلو کننده

ص: 132

1- غرر الحکم ج 1 ص 117 ح 17

2- غرر الحکم ج 1 ص 118 ح 18

3- غرر الحکم ج 1 ص 118 ح 19

4- غرر الحکم ج 1 ص 118 ح 20

به سوی آن بازگردد. (1)»

اما توجه کنید!

«کسی که ما را دوست میدارد، باید برای تحمل محنتها پوستین بپوشد. (2)» (سختی را تحمل کند).

و اعتقاد داشته باشد:

«کسی که از امام خود اطاعت کند، از پروردگارش اطاعت کرده است. (3)»

و قبول کرده باشد که:

«دشمنی و بغض ما امواجی از خشم خدای سبحان را به همراه دارد. (4)»

خوشا براحوال

«کسی که ما را به دل دوست بدارد و با زبان هم ما را یاری دهد و با دست (و بدن) با ما کارزار نکند، او در بهشت با ما است اما از درجه ما

پائین تر است. (5)»

زیرا؛

ما را بر مردم حق اطاعت و سرپرستی است، و در برابر آنها نیز بر خدای سبحان حق پاداش نیک دارند. (6)

ص: 133

1- غرر الحکم ج 1 ص 118 ح 21

2- غرر الحکم ج 1 ص 119 ح 22

3- غرر الحکم ج 1 ص 119 ح 23

4- غرر الحکم ج 1 ص 119 ح 24

5- غرر الحکم ج 1 ص 119 ح 25

6- غرر الحکم ج 1 ص 119 ح 26

و از طرفی

«کسی که به غیر از کشتی ما سوار شود، غرق شود.»(1)

ولی؛

«کسی که پیروی کند دستور ما را، پیشی جسته است.»(2)

و در مقابل؛

«کسی که از ما تخلف ورزد، نابود گردد.»(3)

و

«کسی که به ما تمسک جوید، به ما پیوسته است.»(4)

ما بر اهل زمین امام و پیشوا هستیم و

«بر امام است که حدود اسلام و ایمان را به اهل مملکت (و آنها که تحت سرپرستی او هستند) بیاموزد.»(5)

ای کسانی که پیروان ما هستید؛

«بر شما باد به فرمانبرداری از امامانتان که به راستی آنها گواهانند بر شما امروز و شفیعان شمایند در پیشگاه خداوند در فردای قیامت.»(6)

همچنین

ص: 134

1- غرر الحکم ج 1 ص 119 ح 28

2- غرر الحکم ج 1 ص 120 ح 29

3- غرر الحکم ج 1 ص 120 ح 30

4- غرر الحکم ج 1 ص 120 ح 31

5- غرر الحکم ج 1 ص 120 ح 32

6- غرر الحکم ج 1 ص 120 ح 33

«بر شما باد به دوستی خاندان پیامبرتان که به راستی این حق خداست بر شما و لازم کند بر خدا حق شما را مگر نمیبینید گفتار خدای تعالی را که فرموده:

«بگو از شما مزدی درخواست نکنم جز دوستی نزدیکان خود را.»(1)

آنهايي که چنين شدند بدانند!

«اينان در بند ايمانند که هيچ انحراف و کجی آنها را از اين بند رها نکند.»(2)

ای مردم آگاه باشید!

«طريقه ما ميانه روی و سنت و روش ما رشد (راهنمایی به راه راست) است.»(3)

پس شما؛

«گردابهای فتنه را به وسیله کشتیهای نجات درهم بشکنید.»(4) (که مائیم کشتیهای نجات)

بدانید که:

«به وسیله ما خداوند آغاز کرده و به ما پایان دهد و به سبب ما محو میکند آنچه را بخواهد و اثبات میکند و به وسیله ما خداوند روزگار گزنده را برطرف کند و به وسیله ما خداوند باران فرستد.»(5)

ص: 135

1- غرر الحکم ج 1 ص 120 ح 34

2- غرر الحکم ج 1 ص 120 ح 35

3- غرر الحکم ج 1 ص 120 ح 36

4- غرر الحکم ج 1 ص 121 ح 37

5- غرر الحکم ج 1 ص 121 ح 38

«به وسیله ما از تاریکی هدایت شدید، و به کمک ما به اوج ترقی گام نهادید و به وسیله ما از شب تاریک به در شدید.»(1)

تأکید فرماید:

«همانا امامان، تدبیر کنندگان خدایند بر مردمان و کارگزاران اویند بر بندگان، داخل بهشت نشود کسی مگر آنکه آنها را بشناسد و آنها نیز او را بشناسند و به دوزخ نرود مگر کسی که آنها را انکار کند و آنان نیز او را انکار کنند.»(2)

بطور کلی؛

«امامت، نظام امت است.»(3)

و

«امام نیاز دارد به قلبی که بسیار دریابد و زبانی سخنور و دلی که برای برپاداشتن حق، حمله ور و دلیر باشد.»(4)

و با افسوس فرمود؛

«همانا دنیا پس از چموشی بر ما مهربانی خواهد کرد، همانند شتر شیرده نسبت به بیچه خود.»(5)

خدای را سپاس:

ص: 135

1- غرر الحکم ج 1 ص 121 ح 39

2- غرر الحکم ج 1 ص 121 ح 40

3- غرر الحکم ج 1 ص 121 ح 41

4- غرر الحکم ج 1 ص 121 ح 42

5- غرر الحکم ج 1 ص 121 ح 43

«به راستی که ما فرمانروایان سخن هستیم، فروع آن در میان ما پراکنده شده و شاخه های آن بر ما سایه افکنده است.» (1)

خوانندگان محترم و فرهیخته بدانند و میدانند که روایات نقل شده در

این موضوع (دوستی اهل بیت) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام امیر المؤمنین علیه السلام و دیگر معصومین از حدّ شمارش بیرون و از احصا افزون است ولی به همین مقدار فرصت اکتفا شد. (به زیارت جامعه کبیره مراجعه کنید)

خداوند ما را از پیروان واقعی و از متمسکین به ولایت آقا امیرالمؤمنین علیه السلام

قرار دهد. ان شاء الله

ص: 136

1- غرر الحکم ج 1 ص 122 ح 44

12- انواع دوستان

دوستان در یک طبقه بندی کلی به دو گروه تقسیم می شوند؛

گروه اول: آنانکه ما را دنیا زده و از اخلاق اسلامی و انسانی دور و به لذات زود گذر دنیوی تشویق مینمایند و نهایتاً به هلاکت می رسانند، گرچه چند روزی مشغول رفاه خیالی و لذت توهمی به سرکنیم.

گروه دوم دوستانی که خدا باورند و ما را با اخلاق حمیده و رفتار پسندیده آشنا می کنند، راه و رسم زندگی شرافتمندانه در دنیا و سعادت‌مندانانه در قیامت را به ما می آموزند.

امیربیان حضرت علی علیه السلام این دو گروه را مو شکافانه معرفی میفرماید تا ما درس بگیریم و بهترین را انتخاب کنیم. توجه کنید:

الف: درباره ی گروه اول می فرماید؛

کسانی را که دوست می شماری، اگر امتحانش کنی می بینی که چند طبقه اند:

1. بعضی از آنان مانند شیر، پر خور و درنده خویند،

2. برخی مانند گرگ، زیانبارند،

3. برخی مانند سگ دم می جنبانند (چاپلوسند)،

ص: 138

4. برخی مانند روباه، حيله گر و دزدند، شكلهایشان مختلف است، اما كارشان يكي است. تو كه فردای قیامت كه يكه و تنها مانى و تورا نه زنى باشد و نه فرزندی، جز خداوند، آن پروردگار جهانیان، چه خواهی كرد؟(1)

ب: گروه دوم؛

انسان مسلمان را سه دوست باشد: يك دوست به او مى گوید:

1. من با تو هستم، زنده باشى يا مُرده؛ اين دوست همان عمل اوست؛

2. دوست ديگر به او مى گوید: من تا زمانى كه زنده هستى با تو هستم، آن همان مال و ثروت اوست كه پس از مرگش به وارثان مى رسد؛

3. و دوست سوم به او ميگويد من تال لب گور با تو هستم، سپس از تو جدا مى شوم؛ او همان فرزند اوست.(2)

1. در بيان حكيمانه ديگر فرمايد:

دوستان تو سه گروهند، و دشمنان تو نيز سه دسته اند، اما دوستان:

1. دوست تو

2. و دوست دوست تو،

3. و دشمن دشمن تو است، و اما دشمنانت،

1. پس دشمن تو

2. و دشمن دوست تو،

3. و دوست دشمن تو است.(3)

ج: گروه دوم؛

1. دوستان خدا آناند كه به درون دنيا نگرىستند آنگاه كه مردم به ظاهر آن چشم دوختند،

ص: 139

1- ميزان الحكمه ج 6 ص 302

2- ميزان الحكمه ج 6 ص 3031

3- نهج البلاغه حكمت 295

2. و سر گرم آینده دنیا شدند آنگاه که مردم به امور زودگذر دنیا پرداختند.

3. پس هواهای نفسانی که آنان را از پای در می آورد کشتند ،

4. و آنچه که آنان را به زودی ترک می کرد، ترک گفتند،

5. و بهره مندی دنیا پرستان را از دنیا، خوار شمردند.

6. و دست یابی آنان را به دنیا زود گذر دانستند

7. با آنچه مردم آشتی کردند، دشمنی ورزیدند،

8. و با آنچه دنیا پرستان دشمن شدند آشتی کردند،

9. قرآن به وسیله آنان شناخته می شود،

10. و آنان به کتاب خدا آگاهند،

11. قرآن به وسیله آنان پا برجاست

12. و آنان به کتاب خدا استوارند،

13. به بالاتر از آنچه امیدوارند چشم نمی دوزند،

14. و غیر از آنچه که از آن می ترسند هراس ندارند. (1)

و باز وصف گروه دوم؛ بدانید بندگانی که نگاه دار علم خداوندند، و آن را حفظ می کنند و چشمه های علم الهی را جوشان می سازند، با دوستی خدا با یکدیگر پیوند داشته و یکدیگر را دیدار می کنند. جام محبت او را به همدیگر می نوشانند، و از آبشخور علم او سیراب می گردند. شک و تردید در آنها راه نمی یابد، و از یکدیگر بدگویی نمی کنند، سرشت و اخلاقشان با این ویژگیها شکل گرفته است، و بر این اساس تمام دوستیها و پیوندهایشان استوار است. آنان، چونان بذرهای پاکیزه ای هستند که در میان مردم گزینش شده، آنها را برای کاشتن انتخاب و مابقی را رها می

ص: 140

کنند. با آزمایشهای مکرر امتیاز یافته اند، و با پاک کردنهای پی در پی خالص گردیده اند. پس آدمی باید اندرزها را بپذیرد و پیش از رسیدن رستخیز پرهیزکار باشد، و در کوتاهی روزگارش اندیشه کند، و به ماندن کوتاه در دنیا نظر دوزد تا آن را به منزلگاهی بهتر مبدل سازد. پس برای جایی که او را میبرند و برای شناسایی سرای دیگر تلاش کند. خوشا به حال کسی که قلبی سالم دارد، خدای هدایتگر را اطاعت می کند، از شیطان گمراه کننده دوری میگزیند با راهنمایی مردان الهی با آگاهی به راه سلامت رسیده، و به اطاعت هدایتگرش پردازد و به راه رستگاری پیش از آن که درها بسته شود و وسائلش قطع گردد بشتابد، در توبه را بگشاید، و گناهان را از بین ببرد. پس (چنین فردی) به راه راست ایستاده، و به راه حق هدایت شده است. (1)

ص: 141

1- نهج البلاغه خطبه 214

در این کتاب که مجموعه ای از سخنان گُهر بار و انسان ساز مولی الموالی از نظر خواننده گذشت، انگیزه و هدف (که ان شاء الله حتماً خالص و الهی است) جز این نیست که خواننده گرامی مطالب یاد شده را در نظر داشته باشد و هر دستور، فرمان و تذکر امام صلوات الله و سلامه علیه و آله را در کارها و برخوردها منظور دارد و به کار بندد، و خود را پیوسته در سایه این پناهگاه های ایمن بخش از شرّ کلیه مفسد اجتماعی که در زندگی امروز ما مردم، بروز و ظهور دارد و همه را گرفتار و آلوده ساخته و می سازد مصون دارد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدا، معصومین و همه پیامبران و راهنمایان الهی هدفی جز این نداشته اند که مردم در دنیا در یک رفاه عمومی و برادرانه سالم با یکدیگر زندگی کنند و خود را آراسته و با اعمال صالح و با دلی آرام و مطمئن از دنیا قدم به عالم همیشگی و سراسر دلخواه، در بهشت عنبر سرشت موعود بگذارد و در مهمانی الهی و به شادمانی بندگی خداوند از نعمت بینهایت او مستفید و بهره مند شود.

این آرزو و امید از گردآوری این مجموعه سخنان شریف امام المتقین حضرت علی ابن ابیطالب صلوات الله و سلامه علیه است ان شاء الله و از هر گونه کوتاهی امید عفو از درگاه اهدیت را دارد.

کمترین غلامان شاه ولایت

سید مهدی طباطبایی

تا نامتناهی پله زدند، که جای پای تو را بوسه گاه کنند

و هیچ عنقا نتوانست بر دامنه اندیشه تو پیر باز کند

کوه از تو استواری آموخت

و دریا از تو راز داری اندوخت

کهکشانشانها، نمودی از نور افشانی تواند

و فضا، انگاره منظر لایتنهای نگاهت

نه تنها عدالت، که تمام کرامتها و فضیلتها در تو تبلور است

دشمن کنار آینه فضائلت

و دوست بر ساحل بحر کرامت تو متحیر

و غالی ات - به نام تو - خود را در آتش افکند

تا سرخ رو و سرافراز بر حقانیت خود گواه آورد

ایزد و تعالی که هستی آفریده

همه خوبیا را در تو خلاصه کرد

ای شکوه آفرینش هیچ آفریده

بر چکاد رفیع تو، نتواند دست یافت

استاد فرزانه جناب آقای محمدعلی صاعد

این قطعه را به جای مقدمه مرحمت فرموده اند.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود.

برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

